

# جلوہ های پنهانی

امام عصر  
فَرِحَهُ الشَّرِيفُ  
عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى

تذکرہ امیر المومنین  
امام علی بن ابی طالب

حسین علی پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوہ های پنهانی

امام عصر علیہ السلام

حسین علی پور



انتشارات مسجد مقدس جمکران

جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام

حسین علی پور

انتشارات مسجد مقدس جمکران

تصحیح و ویرایش: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اول

چاپ: نگین

حروفچینی و صفحه آرایی: واحد کامپیوتر مسجد مقدس جمکران

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

شابک: ۳-۷۲-۶۷۰۵-۹۶۴

قیمت: ۵۰۰ تومان

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران

تلفاکس: ۰۲۵۲۳۲۵ - ۳۳۴۰

همراه: ۰۹۱۱۲۵۱۹۹۲۹

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

## فهرست

۹	..... سخنی با خوانندگان
۱۱	..... پیشگفتار
۱۷	..... نگرشی بر مسئله غیبت
۱۹	..... هدایت تکوینی
۱۹	..... هدایت تشریحی

### بررسی علل و اسباب غیبت - ۲۵

۲۷	..... واقع شدن سنت‌های پیامبران درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۲	..... همگونی غیبت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> با غیبت انبیای گذشته
۳۷	..... نتیجه
۴۰	..... خوف از کشته شدن
۴۲	..... چگونگی ارتباط غیبت با ترس از کشته شدن
۴۹	..... کلامی زیبا از حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۵۱	..... نکاتی چند از کلام حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۵۸	..... امتحان مردم
۵۸	..... آزمایش دوران غیبت، سخت‌ترین آزمایش‌ها
۶۰	..... دشواری حفظ ایمان در دوران غیبت

- ۶۲ ..... وسوسه‌های فکری و اعتقادی در زمان غیبت
- ۶۳ ..... آیا در زمان غیبت همه شیعیان دچار شک و تردید می‌شوند؟

### آثار و فوائد وجود امام زمان علیه السلام در زمان غیبت - ۶۷

- ۷۲ ..... آثار و برکات وجودی امام علیه السلام
- ۷۵ ..... امام علیه السلام نگهبان اهل زمین
- ۷۵ ..... توضیح سخن امام علیه السلام
- ۷۹ ..... وجود امام معصوم موجب آرامش اهل زمین است
- ۷۹ ..... امنیت فکری و روحی
- ۸۰ ..... به دست گرفتن زمام امور جامعه
- ۸۲ ..... وجود امام، منشأ خیر و برکت
- ۸۵ ..... علت نیاز مردم به پیامبر و امام
- ۸۶ ..... احساس آرامش در سایه امام
- ۸۷ ..... امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام

### امکان تشرف به حضور امام علیه السلام در زمان غیبت - ۸۹

- ۹۲ ..... غیبت صغری
- ۹۷ ..... امکان تشرف به حضور امام زمان علیه السلام از نظر عقل
- ۹۸ ..... امکان تشرف به حضور امام زمان علیه السلام از نظر نقل
- ۱۰۰ ..... امکان مشاهده حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۰۰ ..... چگونگی ارتباط با امام زمان علیه السلام در غیبت کبری
- ۱۰۲ ..... امام زمان علیه السلام در دوران غیبت با مردم هستند
- ۱۰۳ ..... آثار سازنده انتظار

نتیجه .....	۱۰۸
پایان غیبت صغری .....	۱۱۹
دیدگاه علما و دانشمندان شیعه در مورد امکان تشرّف .....	۱۲۵
امام زمان <small>علیه السلام</small> گشاینده مشکلات .....	۱۳۰
علامه حلی در محضر امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۳۰
حلّ مسائل مقدّس اردبیلی <small>رحمته الله</small> .....	۱۳۱
دستگیری امام زمان <small>علیه السلام</small> از مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی .....	۱۳۳
حلّ مطالب شیخ انصاری <small>رحمته الله</small> با تشرّف به حضور امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۳۴
نتیجه .....	۱۳۹
صبح امید .....	۱۴۱

يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ! مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا  
بِإِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ  
عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

این اثر ناقابل را

به پیشگاه حضرت بقیة الله الاعظم

حجة بن الحسن العسكري عجل الله فرجه

تقدیم می نمایم.





## ✍ سخنی با خوانندگان

آشنایی با ابعاد مختلف شخصیت و معارف حضرت بقیه الله علیها نه تنها به لحاظ اجتماعی و فرهنگی یک امر ضروری محسوب می شود، بلکه از جهت اعتقادی نیز یکی از تکالیف مهم تک تک افراد است. هر فردی با توجه به توان فکری و علمی خود، وظیفه دارد که در راه شناخت امام خویش بکوشد و در انجام وظایفی که نسبت به آن حضرت دارد، کوتاهی نکند. زیرا در روایتی از رسول خدا ﷺ وارد شده است که هر کس بدون شناخت امام زمان خود از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. (۱) سالها پس از رحلت پیامبر اکرم از امام صادق علیه السلام سؤال شد که منظور از مرگ جاهلیت چیست؟ حضرتش فرمودند: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی. (۲)

بنابر این می توان گفت اگر کسی امام زمان خود را نشناسد از دین و احکام الهی بهره ای ندارد. این حدیث و امثال آن، جایگاه والای ولایت را در مجموعه معارف الهی نشان می دهد.

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۰.

۲- همان، ج ۱، ص ۳۷۷.

به منظور کمک به آشنایی هرچه بیشتر مردم با مسأله ولایت و امام زمان علیه السلام محققان و اندیشمندان متعهد و دلسوز در طول تاریخ با تحمل سختی‌ها، کتاب‌های ارزشمند و آثار گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشته‌اند و در هر یک از این آثار، بخشی از معارف اهل بیت علیهم السلام را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

یکی از این آثار، کتاب جلوه‌های پنهانی حضرت ولی عصر علیه السلام است. در این اثر، مؤلف محترم با استفاده از روایات اهل بیت، مطالبی را در زمینه غیبت امام زمان و علل آن، فایده امام غایب، بررسی امکان تشریف از دیدگاه عقل و نقل و... به نگارش در آورده است.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، ضمن قدردانی از زحمات محقق گرانقدر حجة الاسلام و المسلمین حسین علی‌پور افتخار دارد که تصحیح و ویرایش متن کتاب را انجام داده و آن را آماده چاپ و نشر نموده است.

بدان امید که این اثر مورد قبول قطب عالم امکان حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء قرار گیرد و در شناسایی آن حضرت نزد شیفتگان عدالت، مؤثر افتد و الطاف آن جان جهان را شامل حالمان گرداند.

واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران

تابستان ۱۳۸۰

## پیشگفتار

اداره و رهبری عادلانه جوامع بشری که آرزو و خواست همیشه انسان‌ها بوده و هست، از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن کریم، آخرین پیام آسمانی، انگیزه بعثت پیامبران و نزول وحی را قیام به قسط و برپایی عدالت اجتماعی در جوامع انسانی بیان می‌کند، چنانکه می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾<sup>(۱)</sup>

«ما فرستادگانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و معیار شناخت حق از باطل را نازل کردیم تا مردم برای اقامه عدالت و قسط بپاخیزند»

با این حال، هنوز این وعده الهی و این آرزوی انسان‌ها محقق نشده و بشر تشنه عدالت و قسط، طعم شیرین و گوارای آن را نچشیده است. بشر، هنوز در انتظار سپیده دمی به سر می‌برد که بانگ عدالت خواهی آخرین ذخیره خدا در زمین، یعنی حضرت مهدی علیه السلام را بشنود. آن وقت است که انسان‌های ستم‌دیده جهان با قلب‌هایی آکنده از عشق و علاقه به همه

خوبی‌ها و با چشمانی پر از اشک شوق، از سویدای قلبشان و از سراسر وجودشان، خروش یا مهدی سر می‌دهند و پروانه وار بر گرد وجود آن جناب می‌چرخند.

از آنجا که نومی‌دی و یأس از اصلاحات واقعی در جوامع بشری توسط حکام قدرتمند و خود سر جهان روز به روز رو به افزایش است، باید گفت که اعتقاد مسلمانان به خصوص تربیت یافتگان مکتب انسان ساز اهل بیت علیهم السلام، دربارهٔ مصلح حقیقی جهان حضرت مهدی علیه السلام که برخاسته از آیات قرآن کریم و فرمایشات پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمهٔ معصومین علیهم السلام است، ارج و جلوه‌ای دیگر یافته و از یک عقیدهٔ مذهبی به صورت یک آرمان و آرزوی عمومی برای مردم ستمدیدهٔ جهان در آمده است.

امید آن است که این وعدهٔ حتمی الهی و این خواست درونی انسان‌ها با غلبهٔ دین حق بر باطل که قرآن کریم نوید آن را داده است<sup>(۱)</sup> با دست توانمند آخرین ذخیره و حجت خدا تحقق یابد و بشر در پرتو حکومت عادلانهٔ حضرت مهدی علیه السلام راه سعادت را بی‌ماید و به کمال مطلوب نایل گردد. اینک به روایتی که از پیامبر اسلام نقل شده و بیانگر این حقیقت است، اشاره می‌کنیم:

ابن عباس می‌گوید که پیامبر فرمود:

«خلفا و اوصیای بعد از من که حجت خدا بر خلق هستند، دوازده نفرند. اولین آنها برادر من و آخرینشان فرزند من می‌باشد.»

۱ - ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ سوره توبه، آیه ۳۳

عرض شد یا رسول الله! برادر شما کیست؟

فرمود: علی بن ابیطالب.

بار دیگر عرض شد: فرزند شما کیست؟

فرمود:

«مهدی، همان کسی که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، همچنان

که از جور و ظلم پر شده باشد.»

سپس فرمودند:

«سوگند به خدایی که مرا به حق فرستاد و بشارت دهنده قرار داد،

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را

طولانی می‌گرداند تا فرزندم مهدی خروج نماید. سپس روح خدا،

عیسی، از آسمان فرود می‌آید و در نماز به آن حضرت اقتدا

می‌کند. زمین به نور وجود او (حضرت مهدی علیه السلام) روشن

می‌گردد، و پرتو حکومت و سلطنت وی سراسر گیتی را فرا

می‌گیرد»<sup>(۱)</sup>.

از مضمون این حدیث و احادیث فراوان دیگر که مؤید آن است چند

نکته استفاده می‌شود:

۱ - خلفا و جانشینان پیامبر دوازده نفرند.

۲ - اولین خلیفه پیامبر، حضرت علی علیه السلام و آخرینشان حضرت

مهدی علیه السلام است. بدیهی است که این موضوع، صحت اعتقادات شیعه امامیه

را که قائل به امامت ائمه دوازده گانه از اهل بیت پیامبر هستند، ثابت می‌کند.

۱ - ینابیع المودة، ص ۴۴۷؛ الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۸۷؛ غایة المرام، ص ۴۳ ح ۶۹۲.



۳ - حضرت مهدی علیه السلام از اولاد و فرزندان پیامبر است.

۴ - اصل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از مضمون این حدیث ثابت می‌شود.

توضیح مطلب این که در حدیث آمده است: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی ینخرج فیہ ولدی المهدی»

جمله «ینخرج» می‌رساند که ابتدا باید غیبتی باشد تا بعد از آن، خروج محقق شود. با توجه به مضمون این جمله، شبهاتی که بعضی از افراد ناآگاه اهل سنت، در مورد غیبت آن حضرت مطرح می‌کنند، رفع می‌شود.

۵ - ظهور آن حضرت پس از غیبتی طولانی، حتمی و غیر قابل تردید است.

۶ - مضمون این حدیث نمایانگر شخصیت عظیم و برازنده حضرت مهدی علیه السلام است. زیرا این حدیث حاکی از این است که آن حضرت علاوه بر آن که حجت خدا بر تمام خلق می‌باشد، دارای موقعیتی است که هیچ کدام از اولیا و حجج الهی قبل از ایشان آن را نداشته‌اند. چرا که او به عنوان آخرین ذخیره خدا در زمین، توفیق اجرای قوانین اسلام را در سراسر گیتی پیدا می‌کند و زمین را در پرتو حکومت دین حق، از عدل و داد پر می‌کند و از لوٹ و جود جائزین و ستمگران پاک می‌سازد و با حاکم نمودن دین اسلام، مفاد آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>(۱)</sup> تحقق می‌پذیرد.

۱ - سوره توبه، آیه ۳۳.

«او کسی است که پیامبر را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.»

آری! این همان آیه‌ای است که خداوند متعال وعده حتمی غلبه دین اسلام بر سایر ادیان را داده، و هنوز این وعده الهی تحقق نیافته است. در این جا مناسب است فرمایشی را از امام صادق علیه السلام در مورد تأویل این آیه مبارکه متذکر شویم:

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا این آیه تحقق یافته است؟»

امام علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! هنوز این آیه محقق نشده است.»  
عرض کردم: «جانم به قربانت! کی محقق خواهد شد؟»  
حضرت فرمود:

«هنگامی که قائم علیه السلام - انشاء الله - قیام کند. زیرا در هنگام قیام آن حضرت، هیچ کافر و مشرکی باقی نمی‌ماند جز این که خروج او را کراهت دارد. [آن حضرت، کافران و مشرکان را از بین می‌برد] حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان شده باشد، آن سنگ، افراد مؤمن را از وجود او با خبر می‌سازد و خدا نیز زمینه قتل و نابودی کافران و مشرکان را بدین وسیله فراهم می‌سازد.»<sup>(۱)</sup>

این جا است که امام صادق علیه السلام آرزوی درک حضور حضرت مهدی علیه السلام را نمود، و این آرزو را در جواب سؤالی که از آن حضرت در مورد تولد حضرت قائم علیه السلام می‌شود، بیان فرمودند:

سئل أبو عبد الله علیه السلام: هل ولد القائم؟

۱ - فقال: والله، ما أنزل تأويلها بعد، قلت: جعلت فداك، ومتى ينزل؟ قال: حتى يقوم القائم إن شاء الله، فإذا خرج القائم لم يبق كافر ولا مشرك إلا أكره خروجه، حتى لو كان كافر أو مشرك في بطن صخرة لقاتل الصخرة؛ يا مؤمن، في بطن كافر أو مشرك فاقته، قال فينجيه الله فيقتله، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

قال: «لا، ولو أدركته لخدمته أيام حياتي». (۱)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا حضرت قائم متولد شده است؟»  
فرمودند: «نه، اما اگر حضرتش را درک کنم در تمام عمر خودم او را  
خدمت و یاری نمایم». باید اذعان کنیم که معرفت و شناخت ما نسبت به  
ساحت مقدس امام زمان علیه السلام ضعیف است و باید عاجزانه از خداوند  
متعال درخواست کنیم که توفیق شناخت و معرفت کافی نسبت به آن  
حضرت را به ما عنایت فرماید. به این امر مهم در دعاهایی که از ائمه  
معصومین علیهم السلام وارد شده، توجه شده است:

«اللهم عرّفني حجّتك فإنك إن لم تُعرّفني حجّتك ضللت عن ديني». (۲)

«پروردگارا! حجّت خویش را به من بشناسان. زیرا اگر حجّت را به من  
معرفی نکنی در دینم گمراه می‌شوم». آری! شناخت کافی و صحیح حجّت  
خدا از اموری است که می‌تواند راه را برای ظهور آن بزرگوار هموار کرده  
و زمینه حکومت جهانی اسلام را به رهبری یگانه منجی عالم، حضرت  
حجة بن الحسن العسکری علیه السلام فراهم سازد، تا به واسطه هدایت و ارشاد  
آن حضرت بلاد خدا، آباد و بندگان خدا، احیاگردند چنانکه در دعای عهد  
می‌خوانیم: «واعمر اللهم به بلادك وأحي به عبادك». (۳)

امیدواریم هر چه زودتر آن روزگار پر شکوه فرا رسد.

آمین رب العالمین

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲ - جمال الاسبوع، سید بن طاووس، ص ۵۲۱، به نقل از مکیال المکارم، ج ۲، ص ۸۰.

۳ - خداوند! به وسیله او بلاد را آباد و بندگانت را زنده گردان؛ مفاتیح الجنان، دعای عهد.

## نگرشی بر مسئله غیبت

یکی از موضوعات بسیار مهمی که از دوران زندگی پیامبر گرامی اسلام تاکنون در جامعه اسلامی مورد بحث و گفتگو بوده است، موضوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام - آخرین وصی و جانشین آن حضرت - می باشد. از آنجایی که این موضوع از نظر پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام دارای اهمیت فراوانی است، روایات و آثار زیادی از ایشان در این باره رسیده که از حیث کثرت در حدّ تواتر و بلکه مافوق آن است؛ به طوری که از صدر اسلام تاکنون صدها اثر علمی، تاریخی و حدیثی توسط علما و دانشمندان اسلام، اعمّ از شیعه و سنی، درباره غیبت و مسئله مهدویت در اسلام به رشته تحریر در آمده است.

البته علما و دانشمندان اسلام، هر یک، از زاویه‌ای خاص، این موضوع را تجزیه و تحلیل کرده و گوشه‌ای از آن را بیان نموده‌اند. در این راستا ما نیز در صدد آنیم که این موضوع مهمّ را با عنایت خداوند متعال و با لطف حضرت مهدی علیه السلام به قدر امکان مورد بحث و بررسی قرار دهیم و اکنون بحث را با ارزیابی علل و اسباب غیبت آن حضرت آغاز می‌کنیم.

بدون شک هیچ پدیده‌ای در جهان طبیعت، بدون علّت و سبب محقق

نمی‌شود. زیرا بنیاد نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات نهاده شده است و برای پیدایش هر چیز، باید علت و سبب، مخصوص آن را جستجو کرد و از هر علت و سبب، مسبب و معلول خاص آن را انتظار داشت.

به عبارت دیگر، به طور کلی پدیده‌ها و موجوداتی که در عالم محقق می‌شود دو نوع است:

۱- پدیده‌های مادی

۲- پدیده‌های معنوی

بدیهی است که هر کدام از این دو پدیده، دارای علل و اسباب خاص خودش می‌باشد که در پیدایش آن پدیده، نقش دارد. قضا و قدر الهی، وجود هر موجودی را از مجرای علت و سبب خاص خودش به وجود آورده و برای پیدایش هر امری از امور عالم، علت و سبب خاصی قرار داده است.

به عنوان مثال، خداوند متعال برای خلقت و پیدایش انسان، اسباب و علل مادی و برای هدایت و ارشاد مردم، علل و اسباب معنوی قرار داده است. سنت خدا بر این است که اگر بخواهد انسانی را خلق کند، او را از مجرای طبیعی، یعنی به وسیله پدر و مادر که دارای وجود مادی هستند، به وجود می‌آورد و اگر بخواهد انسانی را هدایت و ارشاد نماید، به وسیله پیامبران و نزول وحی بر آنان و نیز با الهامات معنوی، هدایت و ارشاد می‌نماید.

خداوند متعال در راستای اهداف خلقت، موجودات را به دو نوع، هدایت و ارشاد می‌کند:



## ۱- هدایت تکوینی

منظور از هدایت تکوینی آن است که خداوند هر موجودی را که می‌آفریند، او را به سوی اهدافی که برای آن آفریده است، هدایت می‌کند؛ چنانکه حضرت موسی علیه السلام در جواب سؤال فرعون که پرسید: پروردگار شما کیست؟ فرمود:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾<sup>(۱)</sup>

«پروردگار ما، کسی است که همه موجودات عالم را از نعمت وجود، برخوردار ساخت و سپس به راه سعادت و کمال هدایت کرد».

بنابر این، هدایت تکوینی خداوند، هدایتی است که نسبت به همه موجودات عالم جریان دارد.

## ۲- هدایت تشریحی

هدایت تشریحی عبارت از آن است که خداوند برای موجوداتی که از نعمت عقل و شعور برخوردارند - مانند انسان - برنامه و قانون قرار داده و آنان را موظف به اجرا و عمل به آن نموده است؛ لکن باید دانست که خداوند، هدایت تشریحی خود را به واسطه نزول وحی و فرستادن پیامبران به مردم ابلاغ می‌کند و پیامبران را از میان مردم انتخاب می‌فرماید؛ چنانکه آیات بسیاری در قرآن کریم<sup>(۲)</sup> شاهد و گواه این مطلب است. به عنوان نمونه، یک آیه را با توجه به شأن نزول آن، که مناسبت

۱- سوره طه، آیه ۵۰.

۲- سوره بقره آیات ۱۲۹ - ۱۵۱ و سوره جمعه آیه ۲.

بیشتری با بحث دارد، ذکر می‌کنیم:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«و از آنان امامان و پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به امر ما هدایت کنند. زیرا که آنان در راه هدایت به حق، صبر و شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند.»

گرچه ظاهر این آیه مربوط به امم گذشته و سفرای بنی اسرائیل است، ولی امام باقر علیه السلام در تفسیر و بیان این آیه کریمه می‌فرمایند:

«این آیه به خصوص درباره امامان از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده است.»<sup>(۲)</sup>

از مضمون این آیه و سایر آیاتی که در مورد هدایت تشریحی آمده است و از فرمایشات معصومین علیهم السلام که در تفسیر آن آیات رسیده است، استفاده می‌شود که پیامبران و پیشوایان الهی باید در میان جوامع بشری باشند و به هدایت و ارشاد مردم پردازند و با ابلاغ اوامر و نواهی خدا به مردم، راه رسیدن به سعادت و کمال را به ایشان ارائه دهند. بدیهی است که این امر مهم انجام نمی‌پذیرد مگر آن که رهبران الهی و پیشوایان دینی در میان مردم باشند.

بنابر این، اصل اولی این است که پیامبران خدا و همچنین خلفا و اوصیای آنان در میان مردم و با مردم باشند تا مردم بر اثر معاشرت با آنان، راه و رسم بندگی خدا را از نظر علم و عمل بیاموزند. لذا خداوند متعال

۱ - سوره سجده، آیه ۲۴.

۲ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۹.

خطاب به مؤمنین می فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾<sup>(۱)</sup>

«به تحقیق که زندگانی رسول خدا برای شما سرمشق خوبی است». با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال مطرح می شود که اگر اصل اولی و قانون کلی این است که پیامبران و رهبران معصوم علیهم السلام در میان مردم باشند، پس موضوع غیبت و عدم حضور بعضی از حجج خدا در میان مردم - خواه در ادیان گذشته و خواه در زمان اسلام - چگونه تفسیر و توجیه می شود؟ و آیا غیبت اولیای خدا با اهداف آنان و هدایت تشریحی، منافات ندارد؟

در پاسخ باید گفت: خداوند متعال، پیامبران و فرستادگان خویش را برای هدایت و ارشاد مردم فرستاد تا آنها را به سوی کمال و سعادت ابدی رهنمون شوند. بدیهی است که پیامبران و رهبران الهی این وظیفه مهم را به نحو احسن انجام می داده اند؛ اما از آنجایی که سنت خدا بر این است که سرنوشت هر قوم و ملتی را به دست خود آنها تغییر دهد<sup>(۲)</sup>، به همین جهت، این خود انسانها هستند که باعث تغییر سرنوشت خود می گردند. اگر آنها از انبیا و اوصیا علیهم السلام پیروی و راه راست و مستقیم آنان را دنبال کنند و سرنوشت دنیا و آخرت خود را در این آزمایش بزرگ الهی بر اساس اجرای اوامر و نواهی خدا در راستای نیل به سعادت و کمال مطلوب دگرگون سازند، در زمره دوستان و اولیای خدا قرار می گیرند. این امر ممکن نیست مگر با تبعیت و پیروی کامل و بی چون و چرا از فرستادگان

۱ - سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲ - اشاره به آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ﴾

سوره رعد، آیه ۱۱.

خدا چنانکه قرآن کریم این حقیقت مهم را بیان می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (۱)

«ای پیامبر! بگو که اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی

کنید، تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد».

این جا است که باید گفت علت و سبب اصلی غیبت پیامبران خدا مانند

حضرت ادریس، یوسف، موسی و عیسی علیهم السلام در یک چیز خلاصه

می‌شود و آن عدم تبعیت کافی و کامل مردم از آنان است که زمینه را

برای جنایات زمامداران جائر زمانشان فراهم ساخت و غیبت پیامبران و

رهبران الهی را موجب گشت. (۲)

قطعاً اگر امت اسلام نیز در تمام زمینه‌ها به نحو احسن از پیامبر گرامی

اسلام تبعیت می‌کردند و سفارش‌های پی در پی آن حضرت را در مورد

تبعیت از قرآن و عترت به کار می‌بستند، کار به جایی نمی‌رسید که اولیای

خدا و پیشوایان معصوم و اهل بیت پیامبر علیهم السلام یکی پس از دیگری به

دست ناپاکان امت کشته یا مسموم شوند و سرانجام خداوند متعال نیز به

جهت ناسپاسی امت اسلام، از حضور آخرین حجّت و ولیّ خویش در

میان مسلمانان کراهت داشته باشد و او را از انظار عموم مستور بدارد؛

چنانکه از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا شَيْئًا نَصَّبَ لَنَا مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِهِمْ﴾ (۳)

۱ - سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲ - برای اطلاع بیشتر در این زمینه به قرآن و تفاسیر مراجعه شود.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰.

«هنگامی که خداوند، همجواری با مردمی را برای ما کرات داشته باشد و نخواهد، ما را از میان آنان بیرون برد.»

باید حقیقت را برای همه پویندگان راه حق و زمینه‌سازان حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت مهدی علیه السلام بیان داشت و آن اینکه، اگر سقیفه شوم بر سر مسلمانان سایه نمی‌افکند، هرگز، نه پهلوی حضرت فاطمه علیها السلام، دخت گرامی پیامبر شکسته می‌شد و نه حضرت علی علیه السلام، امام و رهبر معصوم مسلمانان، بیست و پنج سال در خانه می‌نشست و نه بلاد مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی جولانگاه افرادی مانند معاویه و عمرو بن عاص می‌گردید و نه ماجرای فجیع و درد آور کربلا رخ می‌داد و... و نه غیبتی این چنین طولانی و حزن آور به وجود می‌آمد.

آری! غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیز بر اثر علل و عوامل مختلفی که در طول تاریخ دوست و شصت ساله دست به دست هم داده بودند، سرانجام در سال (۲۶۰) هجری، بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام واقع شد و جهان اسلام و بشریت را در کام محرومیت و دوری از دیدار آخرین ذخیره خدا فرو برد و بدین سبب خسارتی بزرگ متوجه دنیای اسلام و جهان بشریت گردید.

اینک ما به قدر امکان، علل و اسبابی را که موجب غیبت آن حضرت شده است مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهیم. به امید آن که روزی فرا رسد که زمینه و شرایط لازم برای ظهور آخرین حجت خدا فراهم گردد و دوران ظلمت بار غیبت به سر آید و پرچم اسلام با دستان توانمند حضرت مهدی علیه السلام در سراسر گیتی به اهتزاز در آید و آیه کریمه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ



بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۱)</sup> محقق گردد.

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در مورد آیه  
«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» فرمودند:

«منظور از «ربّ الارض»، امامی است که از طرف خدا برای

هدایت مردم در زمین معین شده است».

عرض کردم: «زمانی که آن حضرت خروج کند، چه خواهد شد؟».

حضرت فرمود:

«در آن هنگام مردم به واسطه نور وجود امام، از نور خورشید و ماه

بی نیاز می‌گردند».<sup>(۲)</sup>

در این جا از همه علاقه‌مندان به اسلام و قرآن - خاصه شیعیان و

ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام - می‌خواهیم که در این فرمایش عمیق و پر

معنای امام صادق علیه السلام با دقت بیندیشند و ببینند که چه خسارت بزرگی به

واسطه غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام متوجه دنیای اسلام و بشریت شده

است. از این باید به حکم و وظیفه شرعی خودمان، علل و عوامل غیبت را

بررسی کرده و تا جایی که امکان دارد در رفع و از بین بردن آن بکوشیم و از

خداوند بخواهیم که زمینه و مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم فرماید.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

۱ - «و زمین به نور پروردگارش روشن گردد». سوره زمر، آیه ۶۹.

۲ - قال: ربّ الأرض یعنی: امام الأرض.

قلت: فإذا خرج يكون ماذا؟ قال: إذا استغنى الناس عن ضوء الشمس و نور القمر و يجتزون بنور الإمام

تفسیر برهان، ج ۴، ص ۸۷.

بررسی علل و اسباب غمیت

## ۱- واقع شدن سنت‌های پیامبران درباره حضرت مهدی علیه السلام

یکی از علل و اسباب غیبت امام زمان علیه السلام که در روایات معصومین علیهم السلام آمده، این است که موضوع غیبت در اسلام چیز جدید و بی سابقه‌ای نیست، بلکه در امم پیشین نیز به صورت یک سنت الهی جریان داشته است. از طرفی خدای متعال با ارسال پیامبران برای هدایت مردم، حجت را بر همگان تمام کرده، و راه هرگونه عذر و بهانه جویی را بر افراد لجوج و بهانه گیر بسته است.

از طرف دیگر پیامبران خدای علیهم السلام تمام تلاش و کوشش خویش را برای هدایت و ارشاد مردم به کار برده و در این راه مصایب و مشکلات فراوانی را متحمل می شدند و بدون کمترین توقع و چشم داشتی، مردم را به سوی خدا دعوت می کردند. متأسفانه مردم بر اثر جهل و نادانی بنای مخالفت با پیامبران خدا را می گذاشتند و آن چنان عرصه را بر آنان تنگ می کردند که در مواردی چاره‌ای جز اختفا و غیبت نداشتند. به همین جهت برای مدتی از نظر مردم پنهان می شدند.

در این زمینه روایات زیادی از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است که به عنوان نمونه به ذکر دو حدیث بسنده می کنیم.

«سَدِّیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

برای قائم ما غیبتی است طولانی.

عَرَضُ کَرْدَم: چرا یابن رسول الله؟

حضرت فرمود:

به جهت این که خدا خواسته است که سنت و روش پیامبران گذشته

را در مورد غیبت‌هایشان درباره آن حضرت نیز جاری کند؛ ای

سدیر! به ناچار غیبت آن جناب واقع خواهد شد. زیرا خداوند

متعال فرموده است: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»<sup>(۱)</sup> سنت گذشتگان

درباره شما نیز جاری خواهد گشت»<sup>(۲)</sup>.

«عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت

فرمود:

ناگزیر برای صاحب‌الامر غیبتی خواهد بود، به طوری که صاحب

هر عقیده باطلی در مورد آن حضرت دچار شک و تردید

می‌شود.

عبدالله گفت: جانم به فدایت! چرا؟

حضرت فرمود:

ما اجازه نداریم علت آن را برای شما بیان کنیم.

عبدالله بار دیگر عرض کرد: حکمت غیبت آن حضرت چیست؟

حضرت فرمود:

۱ - سوره انشفاق، آیه ۱۹.

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۶.

حکمت غیبت آن حضرت، همان حکمت غیبت پیامبران و حجج پیشین خداوند است و تا بعد از ظهور آن حضرت علت آن کشف نمی‌شود؛ همان‌گونه که علت سوراخ کردن کشتی و کشتن غلام و پیا نمودن دیوار توسط خضر علیه السلام تا هنگام جدا شدن موسی علیه السلام از خضر برای آن حضرت روشن نشده بود.<sup>(۱)</sup>

از این دو روایت که از امام صادق علیه السلام نقل شد، چند نکته استفاده می‌شود:

۱- اصل وقوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام، و به طول انجامیدن آن از هر دو روایت استفاده می‌شود. زیرا روایت اول در طولانی شدن غیبت صراحت دارد، و در روایت دوم نیز به طولانی شدن غیبت اشاره شده است؛ به جهت این که حضرت فرمود:

«غیبت آن حضرت به گونه‌ای خواهد بود که موجب شک و تردید برای بعضی از افراد می‌شود»

و چنین غیبتی طبعاً ملازم با طولانی بودن آن است.

۲- این که موضوع غیبت امام زمان علیه السلام چیز جدید و بی سابقه‌ای نیست؛ بلکه در پیامبران و حجج پیشین خدا نیز، وجود داشته است و همان علل و اسباب و حکمت‌هایی که موجب غیبت آنها شده، غیبت آن بزرگوار را نیز موجب گردیده است.

۳- از روایت دوم استفاده می‌شود که خداوند به ائمه معصومین علیهم السلام نیز اجازه نداده است که تمام علل و اسبابی را که موجب غیبت حضرت



مهدی علیه السلام شده، برای شیعیان بیان فرمایند و کشف آن‌ها را به بعد از ظهور آن حضرت موکول فرموده‌اند.

از این نکته، نکته دیگر و بلکه نکات دیگری می‌توان استفاده نمود؛ زیرا امام صادق علیه السلام در پایان سخنانشان به عبدالله بن فضل فرمود:

«ای پسر فضل! موضوع غیبت مهدی علیه السلام امری خدایی و سرّی از

اسرار او و غیبی از غیب‌های اوست. از آن جایی که ما می‌دانیم

خداوند حکیم است، تصدیق می‌کنیم که تمام کارهای او از روی

حکمت است، گر چه علت و سبب آن برای ما روشن نباشد»<sup>(۱)</sup>.

آنچه لازم است اشاره کنیم آن است که ما باید بیشتر در زمینه شناخت

حضرت مهدی علیه السلام و همچنین موضوع ولایت و امامت ائمه

معصومین علیهم السلام فکر و اندیشه خودمان را به کار گیریم و با تجزیه و تحلیل

عمیق‌تری در راستای شناخت پیشوایان معصوم علیهم السلام گام برداریم.

اینجاست که باید در فکر و اندیشه عمیق‌تری فرو رویم و بدانیم که بعد

از رحلت پیامبر گرامی اسلام چه رویداد بزرگی اتفاق افتاده بود که خلفا و

جانشینان به حق پیامبر اسلام، یعنی حضرت علی علیه السلام و فرزندان معصوم

آن بزرگوار، در طول دو بیست و شصت سال نتوانستند آن چنان که

می‌بایست حرف دلشان را بزنند و حقیقت امر را برای شیعیان و

ارادتمندان خود بیان فرمایند تا جایی که بیان بسیاری از حقایق را به بعد از

ظهور حضرت مهدی علیه السلام موکول فرمودند چنانکه در فرمایش امام

صادق علیه السلام به عبدالله بن فضل هاشمی گذشت.

جواب این پرسش با مراجعه به تاریخ صدر اسلام به خوبی روشن می‌شود و معلوم می‌گردد که عامل تمام گرفتاری‌هایی که بعد از رحلت پیامبر اسلام برای مسلمانان پیش آمد، همان غصب خلافت است که به سبب آنزعامت و رهبری جامعه اسلام از صاحبان و وارثان اصلی آن سلب گردید.

## ۲- همگونی غیبت حضرت مهدی علیه السلام

### با غیبت انبیای گذشته

در مورد همگونی غیبت حضرت مهدی علیه السلام با غیبت انبیاء علیهم السلام، علل و حکمت‌هایی در روایات بیان شده است که با توجه به آن، قسمتی از اسرار غیبت روشن می‌شود. به چند روایت در این زمینه، اشاره می‌کنیم.

۱- سدید صیرفی می‌گوید: با مفضل و ابوبصیر و ابان بن تغلب خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم. آن حضرت بر روی خاک نشسته بود و لباسی خیبری بر تن داشت و همچون مادری فرزند مرده، گریه می‌کرد و حزن و اندوه، سراسر وجود حضرت را فرا گرفته بود و در حالی که اشک‌هایش جاری شده بود می‌فرمود:

«سیدی غیبتک نَفَتْ رُقَادِي، وَضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي، وَابْتَرَتْ  
مَنِي رَاحَةَ فَوَادِي، سَيِّدِي غَيَّبَتْكَ أَوْصَلَتْ مَصَابِي بَفَجَائِعِ  
الْأَبْدِ».

«ای آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگان من سلب نموده و  
زندگانی را بر من تنگ کرده و آرامش قلبم را از من گرفته است.»

ای آقای من! غیبت تو، مصائب و اندوه مرا برای همیشه درد آور  
نموده است».

آن قدر حضرت صادق علیه السلام درباره طولانی شدن غیبت حضرت  
مهدی علیه السلام سخن گفت که عقل از سر ما پرید و قلبمان شکست. به آن  
حضرت عرض کردیم: ای فرزند بهترین انسان‌ها! چرا این قدر گریان و  
اندوهناک هستید؟

حضرت صادق علیه السلام در حالی که نفسی عمیق و سوزناک کشید، فرمود:  
«امروز صبح به کتاب «جفر» نگاه کردم و در کیفیت تولد و غیبت  
طولانی قائم علیه السلام و گرفتاری مؤمنان و تردیدهایی که به واسطه  
طولانی شدن غیبت در آنان پیدا می‌شود و اکثر آن‌ها از دینشان بر  
می‌گردند، تأمل کردم؛ رقت، قلبم را فراگرفت و غم و اندوه بر من  
چیره گشت».

از حضرت صادق علیه السلام تقاضا کردیم که ما را مورد عنایت و تفضل قرار  
داده و در جریان مسایل مربوط به غیبت آن حضرت قرار دهد.  
حضرت صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

«خداوند متعال در قائم ما، سه سنت از سه پیامبر قرار داده است؛  
تولد آن حضرت را مانند تولد حضرت موسی علیه السلام و غیبت او را  
مانند غیبت حضرت عیسی علیه السلام و طول عمر آن جناب را مانند طول  
عمر حضرت نوح مقرر فرموده است. سپس عمر بنده صالح خدا،  
خضر علیه السلام، را دلیل بر طول عمر حضرت مهدی علیه السلام قرار داده  
است».

از حضرت صادق علیه السلام توضیح خواستیم. حضرت فرمودند:

«در مورد تولد موسی علیه السلام، چون فرعون دریافته بود که زوال ملک و سلطنت وی به دست موسی خواهد بود، دستور داد که کاهنان در حضورش جمع شده و او را از نسب موسی علیه السلام باخبر نمایند. آنان نیز خواسته فرعون را بر آوردند و گفتند موسی از بنی اسرائیل است. لذا فرعون دستور داد تا شکم زنان حامله را دریدند و بیش از هزار مولود از بنی اسرائیل را کشتند؛ ولی به موسی علیه السلام که در حفظ و حمایت خداوند متعال به سر می‌برد، دست نیافتند.»

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

«همچنین بنی امیه و بنی عباس، چون با خبر شدند که زوال و پایان سلطنت آن‌ها و سایر ملوک و جبابره آنان بر دست قائم اهل بیت علیهم السلام خواهد بود، به عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام برخاسته و قتل و کشتار اهل بیت پیامبر علیهم السلام را شروع کردند تا شاید بتوانند به کشتن حضرت مهدی علیه السلام دست یابند؛ لکن خداوند مانع شد که ستمگران از آن حضرت باخبر شوند، تا نور - امامت - را به پایان برسانند؛ گر چه مشرکین کراهت داشته باشند.»

و اما در مورد غیبت حضرت عیسی علیه السلام یهود و نصارا گفتند که عیسی کشته شد. لکن خداوند آنان را تکذیب نمود و فرمود: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ<sup>(۱)</sup>؛ نه او را کشتند و نه بر دار آویختند و لکن امر بر آنها مشتبه گردید». همین طور است غیبت

قائم علیه السلام. زیرا امت به واسطه طولانی شدنش آن را انکار می کنند.»  
اما راجع به طولانی شدن عمر نوح علیه السلام، امام صادق علیه السلام فرمودند:  
«وقتی نوح علیه السلام برای قوم خود درخواست عذاب نمود، خداوند  
جبرئیل را با هفت هسته خرما فرستاد و او را مأمور به کاشتن آنها  
نمود و برای وی پیغام فرستاد که من بندگانم را هلاک نمی کنم مگر  
بعد از اتمام حجت بر آنان و تو صبر و تحمل را پیشه کن و آنان را  
به سوی من دعوت کن که ثواب و پاداش تو را عطا خواهم کرد.  
این آزمایش الهی به قدری طولانی شد که عده بسیاری از دین خدا  
برگشتند، تا جایی که فقط هفتاد و دو نفر از امت حضرت نوح بر  
دین آن حضرت ثابت ماندند.»

بدین وسیله آزمایش الهی تحقق یافت و کسانی که در معرض  
انحراف و نفاق بودند، از مؤمنان حقیقی جدا شدند. آن گاه  
خداوند به نوح علیه السلام دستور ساختن کشتی را داد و فرمود:  
«وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِينَا<sup>(۱)</sup>؛ ای نوح! کشتی را در حضور ما  
و به فرمان ما بساز.»

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمودند: برنامه غیبت قائم علیه السلام نیز چنین  
است. زیرا به قدری طولانی می شود که برای بسیاری از شیعیانی که  
دارای نفاق هستند، ارتداد حاصل می شود و مؤمنان خالص از  
دیگران جدا می گردند.

اما طولانی شدن عمر بنده صالح خدا، خضر علیه السلام، نه به نبوت و

امامت اوست؛ بلکه چون خداوند عمری طولانی برای حضرت مهدی علیه السلام مقدر نمود و می‌دانست که طولانی شدن غیبت آن حضرت، موجب انکار می‌شود، عمر خضر را طولانی گردانید تا بدین وسیله، بر طولانی شدن عمر حضرت مهدی علیه السلام استدلال شود و حجت خدا بر منکران آن حضرت تمام گردد. (۱)

در این روایت، امام صادق علیه السلام بعضی از علل و حکمت‌هایی را که موجب غیبت شده است، بیان فرمودند که با توجه به آن، بعضی از اسرار غیبت برای ما روشن می‌گردد.

۲ - سعید بن جبیر می‌گوید: از سیدالعبادین علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

در قائم ما سنت‌هایی از انبیا است؛ سنتی از آدم و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. اما سنتی که از آدم و نوح در آن حضرت است، طول عمر است. سنتی که از ابراهیم است، مخفی بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم است. سنتی که از موسی است، ترس و غیبت است. سنتی که از عیسی در اوست، اختلاف مردم درباره او است. سنتی که از ایوب است، رسیدن فرج بعد از گرفتاری است و سنتی که از محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، قیام و خروج به شمشیر است. (۲)

۱ - کمال الدین، ص ۳۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۹، ح ۹، البته این روایت طولانی است و در اینجا ترجمه قسمتی از آن را ذکر کردیم.

۲ - عن سعید بن جبیر قال: سمعت سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام يقول: «فی القائم من سنن الأنبیاء علیهم السلام،



### نتیجه

با توجه به تشابه و همگونی علل و اسباب غیبت امام زمان علیه السلام با علل و اسباب غیبت بعضی از پیامبران خدا، چنین نتیجه می‌گیریم که همان طوری که با روی کار آمدن ستمگران در امم گذشته، اسباب غیبت و اختفای عده‌ای از پیامبران خدا فراهم شد، برای حضرت مهدی علیه السلام نیز در امت اسلام، اسباب غیبت مهیا گردیده است چنانکه این معنی را مرحوم صدوق از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

«حضرت نوح علیه السلام هنگام فرا رسیدن مرگش شیعیان خود را فرا خواند و به آنان فرمود که بدانید که بعد از من با غیبتی روبرو می‌گردید که طواغیت و ستمگران در آن ظاهر می‌شوند؛ لکن خداوند متعال، سرانجام شما را به واسطه فرزندم هود که از هر جهت به من شباهت دارد، نجات می‌دهد و دشمنان شما را در هنگام ظهورش هلاک می‌کند. لذا پیروان نوح علیه السلام پیوسته درانتظار مقدم حضرت هود علیه السلام به سر می‌بردند و منتظر ظهورش بودند.»<sup>(۱)</sup>

آری! در امت اسلام بعد از آنکه مسلمانان سفارشات اکید پیامبر را در مورد خلافت و امامت علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت نادیده گرفتند، منافقان ظاهر شدند و قدرت اسلام را که مرهون زحمات صادقانه

---

«کسنة من آدم و سنة من نوح و سنة من إبراهيم و سنة من موسى و سنة من عيسى و سنة من أيوب و سنة من محمد صلى الله عليه وآله».

فأما من آدم و من نوح فطول العمر، وأما من إبراهيم فخفاء الولادة واعتزال الناس، وأما من موسى فالخوف والغيبة، و أما من عيسى فاختلف الناس فيه، وأما من أيوب فالفرج بعد البلوى، وأما من محمد صلى الله عليه وآله فالخروج بالسيف.

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

۱- کمال الدین، ص ۱۳۵.

پیامبر اکرم و از خود گذشتگی‌های حضرت علی علیه السلام بود، در دست گرفتند و از همان آغاز کار، به جای قدردانی از پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علیه السلام بنای اذیت و آزار اهل بیت علیهم السلام را گذاشتند. در نتیجه در اندک زمانی مقدمات شهادت دخت گرامی پیامبر، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، و خانه نشینی حضرت علی علیه السلام فراهم گردید و خط انحراف از اسلام که توسط طواغیت و ستمگران به وجود آمده بود ادامه یافت و خلفا و جانشینان راستین پیامبر اسلام، یکی پس از دیگری به دست اشقیاء به شهادت رسیدند و سرانجام با شهادت یازدهمین پیشوای معصوم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام رخ داد و دنیای اسلام و بشریت، از دیدار جمال آشکار آخرین وصی پیامبر محروم گشت.

در پایان این بحث، جملاتی از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را که با موضوع بحث ما نیز مناسب است می‌آوریم.

آن حضرت در پیشگویی‌ای درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«... یا قوم، هذا إبان ورود كل موعود، وذنو من طلعة ما لا تعرفون، ألا وإن من أدركها منا يسري فيها بسراج منير، و يحذو فيها على مثال الصالحين ليحل فيها ريقاً و يعتق فيها رقاً، و يصدع شعباً و يشعب صدعاً، في ستره عن الناس، لا يبصر القائف أثره و لو تابع نظره...»<sup>(۱)</sup>

«ای مردم! اکنون هنگام فرارسیدن فتنه‌هایی است که به شما وعده داده شد و نزدیک است برخورد شما با رویدادهایی که حقیقت آن برای

شما مبهم و ناشناخته است. بدانید که هر کس از ما اهل بیت (مهدی موعود منتظر علیه السلام) آن روزگار را درک کند، با مشعل فروزان هدایت حرکت می‌کند و به سیره و روش پاکان و نیکان (پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام) رفتار می‌نماید، تا این که در آن گیر و دارها گره‌ها را بگشاید و بردگان در بند و اسیر را از بردگی و اسارت نجات بخشد و جمعیت باطل را متلاشی نماید و حق طلبان را با هم جمع نماید. این رهبر (مدت‌های طولانی) درخفا و پنهانی از مردم به سر می‌برد و هر چند کوشش کنند تا اثری از او بیابند، ردّ پایش نیابند. در این هنگام گروهی از مؤمنان برای در هم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌شوند همچون آماده شدن شمشیر که در دست آهنگر صیقل زده شده. آنها کسانی هستند که چشمانشان به نور قرآن جلا گیرد و موج تفسیر قرآن در گوش دلشان طنین انداز شود و در شامگاهان و صبحگاهان جانشان از چشمه حکمت و معارف الهی سیراب گردد». همان گونه که ملاحظه نمودید، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جریاناتی را که در صدر اسلام واقع شده است، مقدمه فتنه‌های آینده و غیبت دردناک حضرت مهدی علیه السلام معرفی نموده‌اند؛ آن‌گاه با بشارت فرارسیدن روزگاری پر شکوه، دل‌های غم زده را شاد و امیدوار فرموده‌اند.

«اللهم اجعلني من أنصاره وأعوانه وأتباعه وشيعته، وأرني في

آل محمد علیهم السلام ما يأملون، وفي عدوّهم ما يحذرون، إله الحقّ

آمین یا ذالجلال والإکرام یا أرحم الراحمین». (۱)

### ۳- خوف از کشته شدن

﴿فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«هنگامی که از شما ترسیدم، فرار کردم. آن گاه پروردگارم به من علم

و حکمت عطا کرد و مرا از پیامبران خویش گردانید».

خداوند از قول حضرت موسی علیه السلام نقل می فرماید که آن حضرت در

شرایطی که برای وی پیش آمده بود و خطر قتل، او را از ناحیه دشمن

تهدید می کرد، فرار کرد و خود را از مرگ نجات داد.

نکته ای که از آیه مذکور استفاده می شود این است که انسان باید تا

جایی که امکان دارد، خطر مرگ را از خود دور کند و بدون جهت خود را

به کشتن ندهد.

یکی از علل و اسباب غیبت حضرت مهدی علیه السلام که در روایات

اهل بیت علیهم السلام بیان شده، ترس از کشته شدن است چنانکه مرحوم صدوق

از زراره نقل می کند که گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«برای قائم علیه السلام پیش از آنکه قیام نماید، غیبتی است».

عرض کردم: چرا؟

حضرت فرمود: «برای آنکه از کشته شدن بیم دارد»<sup>(۱)</sup>.  
در حدیث دیگری نیز زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن  
حضرت فرمودند:

«للقائم غيبة قبل قیامه، قلت: ولم؟ قال: يخاف على نفسه  
الذبح»<sup>(۲)</sup>؛ برای قائم علیه السلام قبل از قیامش غیبتی هست. عرض کردم:  
چرا؟ فرمود: برای آن که از کشته شدن بیم دارد».

روایات در این موضوع، فراوان است که ما نمونه‌ای از آن را ذکر کردیم.  
اما این که خوف از کشته شدن و نداشتن تأمین حیاتی موجب غیبت  
حضرت مهدی علیه السلام شده است، از مراجعه به کتب حدیثی که در موضوع  
غیبت نوشته شده روشن می‌شود. زیرا سردمداران حکومت‌های عباسی  
بر اساس روایاتی که از پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام شنیده بودند،  
می‌دانستند که از خاندان پیامبر و از فرزندان امیرالمؤمنین و حضرت  
فاطمه علیها السلام شخصی به وجود خواهد آمد که بساط حکومت ستمگران و  
جباران با دست وی برچیده خواهد شد و نیز به آنان رسیده بود و دریافته  
بودند شخصیتی که اساس و بنیان ظلم و استبداد را از بین می‌برد، فرزند  
امام حسن عسکری علیه السلام است؛ لذا در صدد کشتن وی بر آمدند و تمام  
نیرنگ‌های خود را در این زمینه به کار گرفتند.

همان طوری که فرعون، حیل‌های شیطانی خود را نسبت به حضرت  
موسی علیه السلام انجام داد، بنی عباس نیز نقشه‌های فراوانی را برای دست یابی

۱ - کمال الدین، ص ۳۴۲.

۲ - همان، ص ۳۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۷، ح ۱۸.

به حضرت مهدی علیه السلام طراحى کردند؛ لکن خداوند متعال با تدبیر حکیمانه خویش که بر دست امام حسن عسکری علیه السلام جاری ساخت، نقشه‌های شوم آنان را نقش بر آب کرد تا آخرین وصی و جانشین پیامبر برای انتقام کشیدن از ستمگران، جان سالم به در برَد و روز موعود فرا رسد و بساط ظلم و استبداد به وسیله آن حضرت برچیده شود.

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

«دشمنان خدا نقشه کشیدند و خدا نیز چاره جویی کرد و خدا بهترین چاره جویان است».

بنابر این، روشن می‌شود که غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام با خوف از قتل توسط ستمگران ارتباط دارد و دستگاه حکومتی بنی عباس، ولادت آن حضرت را خطری جدی برای خود تلقی می‌کرد. بدون شک، اگر دشمنان به آن حضرت دسترسی پیدا می‌کردند، او را از بین می‌بردند؛ لذا با تدبیر حکیمانه‌ای که امام حسن عسکری علیه السلام به کار بستند، ولادت فرزند ارجمندش مانند ولادت حضرت ابراهیم و موسی علیه السلام پنهان ماند و حتی پس از ولادت نیز آن حضرت را مخفی داشتند تا تمام تلاش‌های مزورانه دشمن و نقشه‌هایی که برای دستیابی به آن حضرت کشیده بودند، نابود گردد.

### چگونگی ارتباط غیبت با ترس از کشته شدن

بیان ارتباط غیبت با ترس از کشته شدن این است که گر چه خداوند متعال قادر است هر زمان که بخواهد حضرت ولی عصر علیه السلام را بر تمام

حکومت‌های موجود غالب گردانند، اما چون جریان امور در این جهان بر اساس اصل اسباب و مسببات قرار دارد، تا اسباب ظهور از راه‌های معمولی و مناسب فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از فراهم شدن مقدمات لازم و ضروری، آن حضرت ظاهر شود، از گزند دشمن در امان نخواهد بود؛ همان طور که اگر پیامبر اکرم نیز در آغاز بعثت در مکه، دست به جهاد و مقابله مستقیم با مشرکین می‌زدند موفقیتی نصیب آن حضرت نمی‌شد و احیاناً با خطراتی نیز مواجه می‌شد. اینک این سؤال مطرح می‌شود که چرا آن حضرت مانند امامان قبل از خود ظاهر نمی‌گردد که یا با پیروزی، دین حق را حاکم گردانند و یا این‌که مانند نیاکان خویش در راه خدا به شهادت برسند؟

در پاسخ باید بگوییم که هر کدام از پیامبران خدا و اوصیای آنان دارای مسئولیت و وظیفه خاصی بودند که باید آن را به گونه‌ای شایسته انجام می‌دادند. از آن‌جا که حضرت مهدی علیه السلام آخرین حجت و ذخیره خدا در زمین است، وظیفه‌ای بسیار مهم و سنگین بر عهده دارد و آن تحقق بخشیدن به اهداف تمام پیامبران الهی است که باید با برقرار کردن صلح و صفا و عدل و داد و امنیت عمومی در سراسر گیتی، انسان‌ها را زیر پرچم افتخارآمیز اسلام جمع نماید و همه را به سوی دین توحید و یکتا پرستی فرا خواند و تمام احکام قرآن کریم را به عنوان آخرین دستور العمل کامل از طرف خدا، اجرا کند و راه سعادت و کمال را به همگان بیاموزد.

واضح است که اجراکننده یک چنین برنامه عمومی باید در شرایطی قیام کند که موفقیت و پیروزی برای وی حتمی و مسلم باشد و هیچ امری



تواند مانع پیشبرد اهداف او باشد. همچنین برای نزول امدادهای غیبی و نصرت خداوند از نظر حکمت الهی مانعی نباشد.

بنابر این، اگر برنامه آن حضرت، قبل از حصول شرایط لازم، آغاز گردد و هدف وی که حاکمیت بخشیدن به دستورات اسلام و قرآن است محقق نشود، نقض غرض می‌شود. پس باید دنیای بشریت در انتظار تحقق وعده‌های خداوند بماند.

بدیهی است تا خداوند اجازه نفرماید و زمینه و شرایط لازم برای ظهور آن حضرت و غالب شدن دین حق بر سایر ادیان محقق نشود، غیبت آن بزرگوار به طول خواهد انجامید.

این‌جا است که باید پیروان مکتب آسمانی قرآن و ارادتمندان به اهل بیت وحی و نبوت تمام توان خویش را در اعتلای فرهنگ دینی مردم به کار گیرند و انسان‌ها را به ضرورت اقامه قسط و عدل در جامعه به رهبری انسانی کامل و معصوم و مؤید از طرف خداوند توجه دهند، تا شرایط لازم برای نجات تمام مردم ستمدیده جهان به دست توانمند حضرت مهدی علیه السلام فراهم گردد.

از سوی دیگر باید دانست که وظیفه و مسئولیت حضرت مهدی علیه السلام از جهاتی با وظایف ائمه قبل از آن حضرت فرق می‌کند که هر یک از آن جهات ایجاب می‌کند که آن حضرت خود را از مواجه شدن با خطرات جدی حفظ کند و منتظر امر خداوند متعال برای ظهور و حاکمیت بخشیدن به قانون همیشه جاوید اسلام و قرآن باشد.

اینک برای روشن شدن مطلب به دو نمونه از مواردی که زندگانی و

مسئولیت حضرت مهدی علیه السلام با سایر ائمه علیهم السلام تفاوت دارد اشاره می‌کنیم:

اول: احتمال خطر کشته شدن

دوم: رهایی از بیعت ستمگران

**جهت اول:** با توجه به این که حضرت مهدی علیه السلام آخرین امام و پیشوای معصوم از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، اگر در غیر وقت مناسب و قبل از حصول زمینه و شرایط برای پیروزی حتمی در اجتماع ظاهر شود، با خطر کشته شدن از طرف دشمن مواجه می‌گردد. در این صورت علاوه بر این که نقض غرض در تحقق بخشیدن به اهداف انبیاء علیهم السلام و حاکمیت دین حق بر سایر ادیان لازم می‌آید، خسارت عظیم و جبران‌ناپذیر فقدان آخرین حجت خدا را نیز به دنبال دارد. چنین خسارتی در شهادت امامان قبل از آن حضرت وجود نداشت. زیرا هر کدام از ائمه قبل از آن حضرت که با جریان شهادت روبرو می‌شد، می‌دانست که بعد از وی امام و حجت معصوم دیگری هست و زمین خالی از حجت نمی‌شود؛ از این رو، در صورت لزوم در راستای انجام وظیفه تا سرحد شهادت در راه خدا پیش می‌رفت. مانند حضرت امام حسین علیه السلام که در میدان کربلا به تنهایی در مقابل انبوه لشکریان کفر استقامت نمود و ذره‌ای انعطاف در مقابل دشمن نشان نداد. زیرا به خوبی می‌دانست که با شهادتش دشمن رسوا خواهد شد و طولی نخواهد کشید که مقدمات نابودی و اضمحلال قدرت طاغوتی دشمن نیز فرا خواهد رسید. آن حضرت می‌دانست که امام و حجت خدا پس از او، می‌ماند و پرچم هدایت را به نحو عالی به دوش خواهد کشید و در مرکز حکومت ظالمانه دشمن، پایه‌های کاخ طاغوتی

وی را متزلزل می‌سازد. لذا در آخرین لحظات زندگانی خویش که اسرار امامت را به فرزند عزیز و گرامی‌اش امام سجاد علیه السلام تحویل می‌دهد، آن حضرت را از عاقبت کار خیر داد و امر به صبر و استقامت فرمود و موقعی که امام سجاد علیه السلام خواست به یاری آن حضرت بشتابد، امام حسین علیه السلام به حضرت ام‌کلثوم علیها السلام فرمودند که او را از رفتن به میدان باز بدار؛ مبادا کشته شود و زمین از آل محمد علیهم السلام خالی بماند. (۱)

اما زندگانی امام عصر علیه السلام با زندگانی سایر ائمه علیهم السلام فرق اساسی دارد. زیرا وی بر اساس فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آبای گرامی خویش می‌داند که آخرین حجت و ذخیره خدا در زمین است و می‌داند که زمین بدون حجت خدا قابل سکونت و زندگانی نیست که «لو بقیت الأرض بغير إمام لساخت» (۲)؛ اگر زمین بدون امام و حجت بماند، هر آینه خراب خواهد شد.

بنابر این، موضوع این نیست که امام علیه السلام از ترس جان و خوف از مرگ، اختفا و غیبت را انتخاب نموده باشد؛ بلکه وی به حکم این‌که واسطه فیض بین خدا و مخلوقات است، سزاوار است که نقش حیاتی خویش را برای تداوم فیض خداوند به مخلوقات ایفا کند و جان خویش را از هر نوع خطری در امان بدارد تا زمینه و شرایط کافی برای محقق شدن وعده خداوند که می‌فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۳) فراهم شود و

۱- منتهی الآمال، ص ۲۸۱.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

۳- سوره زمر، آیه ۶۹.

زمین به نور وجود آن حضرت روشن گردد و کاروان بشر در پرتو هدایت و ارشاد آن بزرگوار، راه سعادت و کمال را پیماید و به سوی خدا هدایت شوند. آن وقت است که به واسطه ظهور حضرت مهدی علیه السلام دین حق بر سایر ادیان غالب شده و زمین با حاکمیت دین خدا، از قسط و عدل پر خواهد شد.

**جهت دوم:** از موارد تفاوت برنامه‌های عملی حضرت مهدی علیه السلام با سایر ائمه علیهم السلام این است که بر حسب آنچه از روایات استفاده می‌شود، آن حضرت همانند امامان قبل از خویش که بنا بر اقتضای زمان ناگزیر از نوعی صلح و مسالمت با خلفای زمان می‌شدند، نیست. زیرا آن حضرات در مواردی ناچار می‌شدند که برای حفظ مصالح اسلام و مسلمانان از اصل تقیه که یک دستور العمل قرآنی است<sup>(۱)</sup>، استفاده کنند و بدین وسیله خطری را که از جانب دشمن متوجه شیعیان و احیاناً خودشان بود دفع نمایند. مانند موضوع حکمیت در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام و صلح امام مجتبی علیه السلام.

بنابر این اگر امامان پیشین که در جمع مردم حضور داشتند در مواردی از اصل تقیه استفاده می‌کردند و احیاناً بیعت با خلفای جور را در ظاهر می‌پذیرفتند، لکن حضرت مهدی علیه السلام با توجه به روایات فراوانی که از پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام درباره آن حضرت و برنامه ایشان رسیده است، امکان استفاده از اصل تقیه را ندارد. زیرا بر اساس روایات، برنامه

---

۱ - اشاره به آیه شریفه «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَةً» مؤمنین با کافرین پیوند دوستی برقرار نکنند... مگر در صورتی که خوف و ترس از ناحیه دشمن آنان را تهدید کند. و غالب مفسرین از این آیه اصل تقیه را استفاده کرده‌اند، می‌باشد.  
سوره آل عمران، آیه ۲۸.

و دستور کار آن حضرت ریشه کن کردن ظلم و فساد از روی زمین و برپا نمودن قسط و عدالت عمومی در روی زمین است. اجرای چنین برنامه همه جانبه و فراگیر، قبل از فراهم شدن شرایط و مقدمات لازم، علاوه بر این که ممکن نیست، مشکلات فراوانی را نیز برای مجری آن به دنبال می‌آورد. زیرا طبیعی است که وقتی دشمن احساس کند در مقابل چنین فردی قرار گرفته است، آرام نمی‌گیرد و هیچ گونه تقیّه و سازشی را از وی نمی‌پذیرد. دیگر این که برنامه و دستور کار آن حضرت، که همان تحقق بخشیدن به حاکمیت همه جانبه دستورات قرآن و اسلام است، با هیچ گونه تقیّه و سازش با قدرت‌های طاغوتی نمی‌سازد.

این مطلب در روایات فراوانی به عنوان یکی از علل و اسباب غیبت و اختفای آن حضرت بیان شده است که وی در هنگام ظهور و قیام برای برپایی عدالت و قسط جهانی، از هیچ کس عهد و پیمانی برگردن ندارد چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«يقوم القائم وليس لأحد في عنقه عهد ولا عقد ولا بيعة»<sup>(۱)</sup>

«قائم علیه السلام در حالی قیام می‌کند که برای هیچ کس در گردن وی عهد

و پیمان و بیعتی نیست.»

شاید بتوان گفت که منظور از چنین روایاتی - که تعداد آن نیز فراوان است - این است که در هنگام ظهور مهدی علیه السلام فرصت از کافران و ستمگران گرفته شده و روزگار آن‌ها سپری گردیده است و هنگام آن رسیده که آخرین حجت و ذخیره الهی در زمین با استفاده از امکانات و

شرایط لازم و نیز با استفاده از امدادهای غیبی خداوند، در راستای تحقق بخشیدن به اهداف انبیای الهی علیهم السلام قیام کند و وعده حتمی خدا را در غلبه دین حق بر ادیان باطل محقق سازد و زمین را برای حکومت صالحان آماده سازد و بدین وسیله آیه کریمه زیر تحقق یابد:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد.»

بنابر این، اگر در روایات یکی از علل و اسباب غیبت، عدم عهد و پیمان و بیعت دیگران برگردن آن حضرت بیان شده، به جهت این است که آن حضرت در هنگام ظهور، هیچ حکومت و قانونی را جز حکومت خدا و قوانین قرآن کریم به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه حکومت خدا را بر اساس موازین و دستورات قرآن کریم جایگزین تمام حکومت‌های طاغوتی می‌گرداند و جهان بشریت را تحت یک حکومت الهی کامل جمع می‌کند و به سوی تکامل و سعادت دنیا و آخرت هدایت می‌فرماید.

### کلامی زیبا از حضرت علی علیه السلام

در پایان این قسمت از بحث، مناسب است که توجه خوانندگان محترم را به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که بیانگر بعضی از علل و حکمت‌های غیبت است جلب کنیم. آن‌جا که حضرت به کمیل بن زیاد

نخعی می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلِي! لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا  
مَشْهُورًا، وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتِهِ،  
وَكَمْ ذَا وَأَيْنَ أَوْلَئِكَ؟ أَوْلَئِكَ وَاللَّهِ الْأَقْلَوْنَ عِدْدًا، وَالْأَعْظَمُونَ  
عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا.»

يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُوَدِّعُوهَا نِظْرَاءَهُمْ، وَ  
يُزْرِعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ.

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمَ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ،  
وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ الْمُتَرْفُونَ، وَأَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ  
الْجَاهِلُونَ، وَصَحَبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانِ أَرْوَاحِهَا مَعْلَقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى.  
أَوْلَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالدَّعَاةُ إِلَى دِينِهِ، آهَ آهَ شَوْقًا  
إِلَى رُؤْيَتِهِمْ! (۱)

«بار خدایا! چنین است که زمین هرگز از کسی که با حجت و دلیل،  
قیام به حق نماید و دین خدا را برپا دارد خالی نخواهد ماند؛ خواه  
این کس ظاهر و آشکار باشد [مانند امامان یازده گانه معصوم علیهم السلام]  
خواه در حال ترس و پنهانی [مانند امام دوازدهم حضرت  
مهدی علیه السلام] تا دلایل الهی و مشعل‌های فروزان خدا از بین نرود. و  
آنان چند نفرند و کجایند؟ به خدا سوگند که تعداد آنان اندک و  
مقام و منزلتشان در نزد خدا بسی بزرگ و ارجمند است. زیرا خدا  
به وسیله آنان حجت‌ها و دلایل روشن خویش را پاسداری می‌کند،



تا آن را به کسانی مانند خود بسپارند و بذر آن را در دل‌های افرادی مثل خودشان بیفشانند.

علم و دانش با بینش حقیقی به آنان رو می‌آورد و آنها، روح یقین را با نهادی آماده و پاک لمس می‌کنند و آنچه را دنیا پرستان هوس‌باز، دشوار و ناهموار شمارند، آنها برای خویش آسان و گوارا دانند و آنچه را جاهلان از آن هراسان باشند آنان بدان انس گیرند. زیرا آنان دنیا را با بدن‌هایی همراهی می‌کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوسته است.

آنان در زمین، خلفای خدا و دعوت‌کنندگان به دین او هستند. چقدر مشتاق و آروزمند دیدارشان هستیم!

آنچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این حکمت برای کمیل بن زیاد بیان فرموده است، جز بر پیامبر اکرم و امامان معصوم بعد از آن حضرت، بر هیچ مقام و شخصیتی منطبق نمی‌شود. حتی ابن ابی الحدید نیز این جملات امام علیه السلام را بیانگر اعتقادات شیعه می‌داند و می‌گوید: «این جمله اعتراف صریح امام نسبت به مذهب امامیه است».<sup>(۱)</sup>

### نکاتی چند از کلام حضرت علی علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این کلام ژرف و پر محتوا، نکات مهمی را بیان داشته‌اند که به آن اشاره می‌کنیم:

۱- امام علیه السلام قبل از هر چیز توجه جامعه بشری - به خصوص مسلمانان -

را به ضرورت مسئله امامت و رهبری خاطر نشان فرموده و نیاز مبرم جامعه اسلامی را، در هر عصر و زمان، به وجود امام واجد تمام شرایط که از سوی خدا انتخاب شده باشد، متذکر شده و در بیانی شیوا و دعاگونه، خداوند متعال را بر صدق گفتار خود که بیان یک حقیقت دینی و ضرورت اسلامی است گواه گرفته است که نباید صحنه زمین از امام و رهبری که بیانگر حقایق و خواسته‌های الهی است خالی بماند. زیرا اگر زمین از حجت خدا خالی بماند، دلایل الهی آسیب‌پذیر می‌شود و نشانه‌های خدا در زمین باطل خواهد شد.

۲ - نکته دیگری که امام علیه السلام بدان اشاره فرموده‌اند تشریح موقعیت امامان راستین و جانشینان واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام است که در وجود خود و فرزندان معصوم آن حضرت خلاصه گردیده است. لذا حضرت بار دیگر نظر جامعه را به این نکته توجه می‌دهد که عهده‌دار مقام امامت و رهبری مسلمانان، از طرف خدا تعیین می‌شود. این امام، ممکن است به دو وجه وظیفه خطیر امامت را انجام دهد و در هر حال مردم را به سوی خواست خدا هدایت نماید و این معنا از دو جمله مختصر و پر محتوای آن حضرت استفاده می‌شود که فرمود: «إِذَا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَا خَائِفًا مَغْمُورًا». زیرا یا این‌گونه است که جامعه اسلامی بعد از پیامبر اسلام فرمایشات آن حضرت را در مورد اطاعت و فرمان برداری از امام و رهبر واجد تمام شرایط - که از سوی خدا به وسیله پیامبرش اعلان گردیده است - به کار می‌گیرند و زمینه و شرایط برای فعالیت همه جانبه امام و حجت بعد از پیامبر فراهم می‌گردد که در این صورت، امام زعامت

مستقیم جامعه اسلامی را به دست می‌گیرد و به طور ظاهر و آشکار در میان مردم به هدایت و ارشاد آنها می‌پردازد و تمام دستورات و قوانین اسلام را مانند پیامبر اجرا می‌کند و یا این‌گونه است که مردم نسبت به امام و رهبر معصوم، فرمان بردار نیستند که در این فرض نیز از دو حال خارج نیست:

حالت اول این است که گرچه امام علیه السلام به واسطه غصب خلافت از سوی دیگران، از آزادی برخوردار نیست، لکن تا حدی می‌تواند در جهت نشر علوم قرآن و ترویج احکام اسلام و جوابگویی به مشکلات فکری فعالیت کند همانطوری که هر کدام از امامان معصوم ما، مشکلات علمی و فکری و سایر مشکلات جامعه را در حد امکان به نحو احسن می‌گشودند.

حالت دوم این است که بر اثر حاکمیت زمامداران خود سر و ستمگر و نامساعد بودن زمینه و شرایط لازم برای انجام وظیفه رهبری، امام علیه السلام - از ترس جان خود و شیعیان - ناگزیر می‌گردد که به صورت ناشناس و پنهانی به سربرد تا زمینه و شرایط کافی برای حضور وی در جامعه فراهم شود.

مانند امام دوازدهم، حضرت مهدی علیه السلام که با چنین موقعیت دردناک و جانسوزی روبرو گردید و جو حاکم به حدی تیره و نامساعد بود که امام علیه السلام را وادار به اختفای از دشمن و غیبت از انظار عمومی کرد؛ به طوری که بر اساس روایاتی که در این رابطه آمده است، شیعیان به جهت رعایت مسایل امنیتی، حتی از تصریح نام مبارک امام دوازدهم علیه السلام منع شده بودند و با رمز و اشاره درباره آن حضرت سخن می‌گفتند.<sup>(۱)</sup>

۱ - درباره صدور این روایات و بحث و بررسی آنها دانشمندان بزرگ شیعه کتاب‌های زیادی را نوشته‌اند. در این باره به کتاب ارزشمند «الذریعه، ج ۱۰» مراجعه کنید.

۳- نکته دیگری که از کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده می‌شود این است که امام علیه السلام به تعداد امامان اشاره فرموده است و با ادای سوگند، قلت و محدودیت امامان معصوم را خاطر نشان کرده است. این موضوع با در نظر گرفتن روایات فراوانی که از پیامبر اکرم درباره خلفای دوازده گانه آن حضرت آمده است تنها با عقیده شیعه امامیه که قائل به امامت دوازده امام هستند، منطبق می‌گردد.

۴- آخرین نکته‌ای که متذکر می‌شویم این است که ایشان، پس از بر شمردن برتری‌ها و ویژگی‌های ممتازی که در این گروه و عده کم موجود است، اوصاف و صفاتی را برای آنان ذکر می‌کند که جز در پیامبران و جانشینان آنان چنین صفاتی وجود ندارد.

حضرت می‌فرماید: «اینان خلفای خدا در زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند».

این بیان را قرآن کریم در مورد پیامبرانی مانند داود علیه السلام آورده است و از وی به عنوان خلیفه خدا در زمین نام برده است چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (۱)

«ای داود! ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم. پس در بین مردم به حق داور کن».

از توجه به فرمایش حضرت علی علیه السلام که از آن افراد، به عنوان خلفای خدا در زمین یاد می‌کند و همچنین با توجه به این نوع از آیات قرآن کریم،

نکته‌ای که بدان پی می‌بریم این است که جز پیامبر گرامی اسلام و جانشینان بر حق آن حضرت، که نقش رهبری و تعلیم و تربیت صحیح جامعه را بر عهده دارند، کسی دیگر نمی‌تواند حجت و خلیفه خدا در زمین باشد.

بنابر این، روشن شد که مقصود علی علیه السلام از بیان عده خلفا، همان امامان و پیشوایان راستین شیعه است که مسئولیت امامت و رهبری جامعه اسلامی از طرف خدا به وسیله پیامبر بر دوش آنها نهاده شده است.

بدیهی است کسانی که بعد از پیامبر گرامی اسلام به طور خود سرانه و بدون توجه به سفارشات آن حضرت و نص صریح قرآن در مورد امامت حضرت علی علیه السلام زمام امور را به دست گرفتند، نمی‌توان از آنان به عنوان خلیفه خدا یاد کرد. زیرا خلیفه خدا کسی است که از طرف خدا به وسیله رسولش انتخاب شده باشد. لذا اگر کسی از آنان به عنوان خلیفه خدا تعبیر کند بر خلاف صریح آیات قرآن عمل کرده است.

با این بیان روشن می‌شود که مدعیان مقام خلافت که بعد از پیامبر در برابر اهل بیت آن حضرت تشکیل جبهه داده بودند، «خلیفه الله» نبودند. زیرا هیچ گونه نص و دلیلی که حاکی از خلیفه الهی آنان باشد از طرف خدا و رسول، اعلام و ارائه نگردیده است. همین طور آنان خلیفه مردم هم نبودند؛ زیرا در موقع انتخاب آنان به آرای عمومی مراجعه نشده بود و کسانی که از آنان به عنوان خلیفه یاد کردند اولاً از خودشان بودند مثل این که عمر دست به پشت دست ابی بکر زد و از او به عنوان خلیفه یاد کرد و ثانیاً تعداد آنها در آغاز کار به اندازه تعداد انگشتان یک دست هم نبود.

زیرا طبق شواهد تاریخی، آغاز کار، بیعت فقط توسط ابوبکر و عمر و ابو عبیده جراح (گورکن) انجام گرفت.<sup>(۱)</sup> به همین جهت چنین انتخابی هیچ جنبه قانونی ندارد و هیچ یک از مسلمانان نباید آن را بپذیرند.

این موضوع را ما می‌توانیم از سخنان گهر بار حضرت شاه ولایت، مولانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام استفاده کنیم؛ آن حضرت می‌فرماید:

«واعجباہ! أتکون الخلافة بالصحابة ولا تکون بالصحابة والقرابة».

«چه شگفت آور است! آیا رسیدن به خلافت، تنها با نام و نشان صحابی داشتن روا است؛ اما با نام و نشان صحابی داشتن و قرابت و خویشاوندی پیامبر روا نیست».

در همین راستا، حضرت خطاب به غاصبین خلافت فرمود:

فإن كنت بالشورى ملكت أمورهم

فكيف بهذا والمشیرون غیب

وإن كنت بالقربی حججت خصیمهم

فغیرك أولى بالنبی وأقرب<sup>(۲)</sup>

«اما این که می‌گویی مردم به تو رأی دادند و جماعت از خلافت تو راضی بودند، درست نیست. زیرا بسیاری از صحابه هنگام رأی‌گیری حضور نداشتند».

۱ - شرح این ماجرا را باید از کتب مفصلی که در این موضوع نوشته شده جستجو کرد. به کتاب عبقات الانوار، میر حامد حسین هندی رحمته الله و بحار الانوار، علامه مجلسی رحمته الله و سایر کتب مربوطه مراجعه شود.

۲ - نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۱۹۰؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۴۱۶، حکمت ۱۸۵.

پس چگونه بیعت منعقد شد و رأی‌گیری به عمل آمد؟! اما این که می‌گویی از نزدیکان پیامبر و خاندان او هستی، بدان که غیر تو (یعنی: من که علی هستم) از تو به پیامبر نزدیک‌تر است».

## ۴- امتحان مردم

یکی دیگر از مصالح و حکمت‌های غیبت امام عصر علیه السلام آزمایش و امتحان شیعیان است. زیرا بر اساس آنچه از آیات قرآن و روایات اسلامی استفاده می‌شود، امتحان و آزمایش بندگان یکی از سنت‌های الهی است که همواره بوده و هست. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (۱)

«خداوند کسی است که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را آزمایش و امتحان کند که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید».

امتحان، وسیله‌ای است برای ظهور کمالات و استعداد‌های درونی انسان که شخصیت افراد و درجه ایمان و صبر و استقامت آن‌ها را در مقام اطاعت از اوامر خداوند و رسول او روشن می‌کند.

### آزمایش دوران غیبت، سخت‌ترین آزمایش‌ها

چنانکه از روایات و اخبار استفاده می‌گردد، امتحان و آزمایش به وسیله غیبت امام علیه السلام به چند جهت از شدیدترین امتحان‌ها است:



**جهت اول:** این که، از روایاتی استفاده می شود که مؤمنین و افرادی که در زمان غیبت آن حضرت به سر می برند از حیث درجه و مقام بر کسانی که در زمان حضور پیامبر و سایر ائمه علیهم السلام بودند برتری دارند. لازمه این برتری و موقعیت، شدت و سختی امتحان آنها است که به واسطه طولانی شدن غیبت امام و حجت خدا، متوجه آنان می شود؛ لکن آنان ذره ای شک و تردید به خودشان راه نمی دهند و با اخلاص کامل بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت و استوار می مانند.

چنانکه حضرت علی علیه السلام از پیامبر نقل می کند که خطاب به وی

فرمود:

«یا علی، واعلم أنّ أعجب الناس إيماناً و أعظمهم يقيناً قوم  
يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي و حجبتهم الحجة،  
فآمنوا بسواد علی بیاض»<sup>(۱)</sup>.

«ای علی! بدان که عجیب ترین افراد از جهت ایمان و بزرگی یقین،  
قومی هستند که در آخر الزمان به سر می برند. زیرا آنان، در عین  
حال که پیامبر را ملاقات نکرده اند و امام و حجت خدا نیز از آنها  
محجوب و غایب است، به وسیله سیاهی ها و خطوطی که در  
کاغذها مانده است، ایمان آورده اند».

در روایت دیگری ابن عباس از پیامبر اکرم نقل می کند که آن حضرت

فرمودند:

«علی بن ابی طالب علیه السلام امام و جانشین من بر امت من است. از

فرزندان علی است همان قائم منتظری که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد».

آنگاه حضرت فرمودند:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكَبْرِيتِ الْأَحْمَرِ».

«سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث داشت و بشارت دهنده قرار داد، کسانی که در زمان غیبت آن حجت خدا بر قول و اعتقاد به امامت وی ثابت بمانند از طلای سرخ - یا یاقوت سرخ - کمیاب‌ترند!»

جابر بن عبد الله انصاری بلند شد و عرض کرد: «آیا برای قائم علیه السلام غیبتی است؟»

حضرت فرمود:

«آری، به خدا سوگند!» «وَلَيَمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»<sup>(۱)</sup>؛ تا خداوند بندگان با ایمان را خالص گرداند و امتحان کند و کافران را نیست و نابود گرداند».<sup>(۲)</sup>

### دشواری حفظ ایمان در دوران غیبت

**جهت دوم:** این‌که، پیشامدهای ناگوار و دگرگونی‌هایی که در دوران طولانی غیبت رخ می‌دهد، مردم را نیز متحوّل و دگرگون می‌سازد به طوری که حفظ ایمان و استقامت در راه آن، بسیار سخت و دشوار است که حتی

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.

۲ - کمال الدین، ص ۲۸۷، ح ۷.

امامان پیشین نیز، جامعه شیعه را در جریان آن قرار داده‌اند و آن‌ها را از سختی‌ها و مشکلاتی که در راستای حفظ ایمان در زمان غیبت متوجه آنان می‌شود، خبر داده‌اند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غِيْبَةً، الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ - ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بَيِّدُهُ - ثُمَّ قَالَ: فَأَيْكُمْ يَمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بَيِّدُهُ؟ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غِيْبَةً، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ»<sup>(۱)</sup>.

«کسی که بخواهد در زمان غیبت صاحب الامر علیه السلام به دین خود چنگ بزند و به لوازم دینداری ملتزم باشد، مانند کسی است که بخواهد با کشیدن دست، خارهای درخت قتاد را بگند. سپس حضرت فرمودند: کدام یک از شما می‌تواند خارهای درخت قتاد را با دست بگیرد؟»

بعد فرمودند: به درستی که برای صاحب این امر، غیبتی است که باید بنده خدا، تقوا و پرهیزکاری را پیشه خود سازد و به دینش چنگ زند.»

آری! در دوران اندوهناک غیبت آخرین حجّت و ذخیره خدا در زمین، ظاهر فریبنده امور دنیوی، یکی پس از دیگری، جلوه گر می‌گردد و دل افراد را فریفته و اسباب گوناگون گناه و معصیت، بیش از پیش فراهم شده و در دسترس همه قرار گیرد. بساط لهو و لعب، غنا و نوازندگی و طرب،

همه جا گسترده می‌شود و با اختلاط و امتزاج‌های نامشروع مرد و زن، زمینه بیشتری برای دسترسی به گناه فراهم می‌گردد. علاوه بر آن، قدرت‌های طاغوتی و غیر دینی نیز در افزایش گناه و معصیت تأثیر فراوان دارند. در آن دوران، دینداران حقیقی به ظاهر، ذلیل، و بلهوسان نابکار به ظاهر، عزیزند؛ امر به معروف و نهی از منکر فراموش، و انجام منکرات در هر کوی و برزن متداول و مرسوم می‌گردد.

بنابر این باید گفت که دینداری، سخت و مشکل است. لذا عظمت افرادی که در شرایط سخت و دشوار غیبت، دین خود را حفظ کنند و بر اعتقاد به امامت حضرت مهدی علیه السلام ثابت و استوار بمانند، روشن می‌شود. امید آن‌که خداوند ما را از ثابت قدمان بر اعتقادات صحیح اسلامی و امامت ائمه معصومین علیهم السلام قرار دهد و مقدمات ظهور حضرت را فراهم فرماید.

### وسوسه‌های فکری و اعتقادی در زمان غیبت

**جهت سوم:** جهت دیگری که امتحان و آزمایش شیعیان را در زمان غیبت دشوار می‌کند، وسوسه‌های فکری است که متوجه شیعیان می‌شود و احیاناً بعضی از آن‌ها را دچار شک و تردید می‌کند.

دشوار بودن مسئله از این جهت، به قدری درد آور است که طبق بعضی از روایات، وقتی امام صادق علیه السلام موقعیت شیعیان زمان غیبت را ملاحظه می‌کردند، آنچنان ناراحت و اندوهناک و گریان شدند که اصحاب آن حضرت، شگفت زده و متحیر گشتند. چنانکه از سدید صیرفی نقل شده که گفت: در موقعی که حضرت امام صادق علیه السلام مسئله غیبت را متذکر

شدند، به قدری ناراحت و گریان بودند که عقل از سر ما پرید و از ناله‌های هولناک آن حضرت قلب‌های ما به فغان و خروش آمد.

آنگاه وقتی از حضرت، علت ناراحتی و اندوهشان سؤال شد، فرمود:

«وقتی گرفتاری‌های شیعیان را در زمان غیبت ملاحظه می‌کنم و

می‌بینم که بسیاری از آنان از دین و عقیده خودشان برگشته‌اند، این

چنین ناراحت می‌گردم و حزن و اندوه بر من غالب می‌شود.

فأخذتني الرقة، واستولت علي الأحزان»<sup>(۱)</sup>.

**آیا در زمان غیبت همه شیعیان دچار شک و تردید می‌شوند؟**

اینک در این جا سؤالی مطرح است و آن این‌که آیا به واسطه طولانی

شدن غیبت امام عصر علیه السلام همه شیعیان دچار شک و تردید نسبت به آن

حضرت می‌شوند؟

در پاسخ این پرسش باید بگوییم: چنانکه از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

ائمه معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود، چنین نیست که تمام شیعیان دچار

شک و تردید شوند. زیرا شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که معمولاً در

مسایل اعتقادی و ایمان به خدا و پیامبران الهی، گرچه در مواردی تعداد

زیادی از دین و اعتقادات صحیح منحرف می‌شدند، لکن چنین نیست که

به طور کلی در همه افراد، ارتداد حاصل شود و همگان به انحراف کشیده

شوند؛ بلکه همیشه عده‌ای - اگر چه اندکی از آنها - بر دین و اعتقادات

صحیح باقی می‌مانند.

قرآن کریم این حقیقت را در ماجرای طالوت و جالوت بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ \* وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ \* فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (۱)

«هنگامی که طالوت سپاهش را با خود برد، به آنان گفت: خداوند شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می‌کند؛ هر کس از آن بنوشد، از من نیست و هر کس جز یک پیمانه ننوشد، از من است که جز عده کمی همه از آن نهر نوشیدند. آن‌گاه افرادی که از بوته آزمایش به سلامتی بیرون آمدند، وقتی از نهر گذشتند از کمی افراد و نفرات خود ناراحت شدند و گفتند: «ما توانایی مقابله با نیروهای جالوت را نداریم.»

آنان که می‌دانند خدا را ملاقات خواهند کرد، با قدرت ایمان و

تکیه بر یاری خداوند گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان و یاری خدا بر گروه‌های بزرگ و عظیم دشمن غلبه یافتند و پیروز گردیدند. زیرا خداوند با صبر پیشگان است.»

سپس همان گروه اندک، اما با ایمان، در مقابل سپاهیان انبوه جالوت به استقامت پرداختند و گفتند: «پروردگارا! پیمانۀ صبر و استقامت را بر ما فرو ریز و ما را در مقابل دشمن ثابت قدم دار و ما را بر کافران، ظفر و پیروزی عنایت فرما.»

آنها به فرمان خدا سپاه دشمن را به هزیمت و فرار واداشتند و داود، جالوت را کشت و خداوند، حکومت و دانش را به وی بخشید و آنچه خواست به او تعلیم داد. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر، دفع نمی‌کرد، زمین پر از تباهی و فساد می‌شد، لکن خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان می‌نماید.»

با توجه به مفهوم آیات کریمه و روایات اهل بیت علیهم‌السلام جواب پرسش فوق بیشتر روشن می‌شود. زیرا درست است که طولانی شدن غیبت، در روحیه و افکار و احیاناً اعتقادات مردم تأثیر می‌گذارد، لکن موجب نمی‌شود که تمام معتقدین به امامت امام غایب علیه‌السلام در عقیده و اعتقاد خود سست شوند، بلکه مؤمنین و معتقدینی هم وجود دارند که امتداد غیبت، ذره‌ای در ایمان راسخ آنان خلل وارد نمی‌کند چنانکه احادیث فراوانی نیز مؤید این معناست که نمونه‌ای از آنها را ذکر می‌کنیم:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «أقرب ما يكون العباد من الله عزوجل و أرضى ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله

عزوجل، فلم يظهر لهم و لم يعلموا بمكانه، و هم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجج الله [عنهم و بيئاته] فعندها فتوقعوا الفرج صباحاً و مساءً، وإنَّ أشدَّ ما يكون غضب الله تعالى على أعدائه إذا افتقدوا حجَّة الله فلم يظهر لهم، و قد علم أنَّ اوليائه لا يرتابون، ولو علم أنَّهم يرتابون لما غيب عنهم حجته طرفة عين، و لا يكون ذلك إلا على رأس شرار الناس». (۱)

«از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «بهترین زمان قرب بندگان به خدا و بهترین زمان رضایت و خشنودی خداوند از آنها، زمانی است که آنها حجت خدا را در میان خود نیابند و مکان وی را ندانند و در عین حال، می‌دانند که حجت و برهان خداوند باطل نمی‌شود. و زمین از حجت خالی نمی‌ماند). در این هنگام است که باید شما شیعیان هر صبح و شام، منتظر فرج امام علیه السلام باشید. شدیدترین زمان غضب خدا بر دشمنانش نیز، زمان غیبت حجت او است. خداوند می‌داند که بندگان واقعی وی به جهت غیبت حجتش، دچار شک و تردید نمی‌شوند. زیرا اگر چنین بود، خدا لحظه‌ای حجت خود را از بندگان غایب نمی‌فرمود و این امر (مسئله غیبت) نمی‌باشد مگر به خاطر شیرترین افراد مردم».



آثار و فوائد وجود امام زمان علیه السلام

در زمان غیبت

یکی از پرسش‌هایی که در مورد امام زمان علیه السلام می‌شود این است که چه آثار و فوایدی بر وجود امام و رهبری که در اختفا و غیبت به سر می‌برد، مترتب است؟ به عبارت دیگر، چرا امام علیه السلام سال‌ها قبل از ظهور، تولد یافته است و فایده وجود آن حضرت چیست؟

لازم است قبل از پاسخ نکته‌ای تذکر داده شود و آن این‌که سؤال مذکور مسأله جدیدی نیست که تازه طرح شده باشد، بلکه سال‌ها قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام مطرح بود. حتی این پرسش‌ها همزمان با عصر نزول وحی نیز وجود داشت چنانکه از جابر بن عبد الله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر نقل شده است که گفت: هنگامی که آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>(۱)</sup> نازل شد، به رسول گفتم: خدا و رسول را شناختیم؛ صاحبان امری را که خداوند اطاعت آنان را به اطاعت شما مقرون کرده است، چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«آنان جانشینان من و پیشوایان امت بعد از من هستند. اول آنها علی بن ابی طالب است؛ سپس حسن و حسین و علی بن الحسین و

---

۱ - «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». سوره نسا،

محمد بن علی که در تورات معروف به باقر است. ای جابر! در آینده نزدیک، او را ملاقات خواهی کرد. هنگامی که او را دیدی سلام مرا به او برسان. بعد از او جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و سپس فرزندی حسن، هم‌نام و هم‌کنیه من و حجت خدا در زمین و ذخیره خدا برای بندگان اوست. همان کسی که خداوند، مشرق و مغرب را به دستش فتح می‌کند».

آن‌گاه حضرت فرمودند:

«او همان کسی است که از شیعیان و دوستانش غایب می‌شود؛ دوران غیبتش به حدی طولانی و دشوار است که بر اعتقاد به امامت وی باقی نمی‌ماند مگر کسی که خدا قلبش را به وسیله ایمان آزمایش کرده باشد».

عرض کردم یا رسول الله! آیا شیعیان در زمان غیبت از او بهره‌مند می‌گردند؟

حضرتش فرمود:

«آری! سوگند به کسی که مرا به نبوت مبعوث داشته است، البته آن‌ها از نور وجودش استفاده می‌کنند و از برکت ولایتش بهره‌مند می‌گردند، همان‌طور که از نور خورشید بهره‌مند می‌شوند گرچه در پس ابر باشد. ای جابر! غیبت از اسرار مکتوم خزانه علم خداست. پس آن را جز از اهلش پنهان دار».<sup>(۱)</sup>

با توجه به این حدیث مشهور، جواب سؤال مذکور به خوبی روشن می‌شود که بدون تردید، برکات خورشید فروزان امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام آن چنان گسترده و فراوان است که ابرهای تیره و تاری که به واسطه ستمگری‌های دشمنان خدا برای مدتی نامعلوم بین آن حضرت و مردم حایل گردیده، نمی‌تواند جلو برکات وجودی آخرین حجت و ذخیره خدا را بگیرد.

زیرا اگر چه آن حضرت در زمان غم‌انگیز غیبت، از تصرف در بعضی از شئونات خویش - مانند حضور در جامعه و به دست گرفتن زمام امور - کناره‌گیری می‌نمایند، لکن باید دانست که این امر فقط یکی از شئونات آن حضرت است؛ چرا که آن حضرت در بقیه شئونات خویش تصرف می‌نماید و بسیاری از مشکلات جامعه را رفع و از درماندگان دستگیری می‌کند و امدادهای غیبی آن بزرگوار در سراسر هستی گسترش دارد. این موضوع شواهد فراوانی دارد که در جای خودش به آن اشاره خواهیم کرد.

گذشته از این، باید دانست که تمام مصالح و حکم و فواید و آثار وجود امام علیه السلام در زمان غیبت برای ما مکشوف نیست. از سفارش پیامبر به جابر فهمیده می‌شود که همگان استعداد و لیاقت فهم و درک برکات وجود امام علیه السلام را در دوران غیبت ندارند؛ بلکه افرادی همچون آن صحابی بزرگ می‌توانند تا حدی شعاع برکات وجودی حجت خدا را درک کنند. زیرا حضرت در پایان گفتارشان به جابر فرمودند: «موضوع غیبت از اسرار خداست و باید آن را از نااهلان پنهان بداری».

## آثار و برکات وجودی امام علیه السلام

احادیث و روایات از پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام در جواب و پاسخ این گونه پرسش‌ها فراوان است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد، لکن از باب نمونه به عنوان تیمن و تبرک، حدیثی را از امام سجّاد علیه السلام که بیانگر پاره‌ای از برکات وجودی امام علیه السلام است، ذکر می‌کنیم:

سلیمان از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و آن حضرت از امام زین العابدین نقل می‌کند که حضرتش فرمودند:

«نحن أئمة المسلمين، و حجج الله على العالمين، و سادة المؤمنين وقادة الغر المحجلين، و موالی المؤمنین، و نحن أمان لأهل الأرض كما أنّ النجوم أمان لأهل السماء، و نحن الذين بنا يمسك الله السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه، و بنا يمسك الأرض أن تميد بأهلها، و بنا ينزل الغيث، و تنشر الرحمة، و تخرج برکات الأرض، و لولا ما في الأرض مناّ لساخت بأهلها».

ثمّ قال: ولم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة الله فيها

ظاهر مشهور أو غائب مستور<sup>(۱)</sup>، ولا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة الله فيها، ولولا ذلك لم يعبد الله.

قال سليمان، فقلت للصادق عليه السلام: فكيف يتفجع الناس بالحجة الغائب المستور؟

قال: «كما يتفجعون بالشمس إذا سترها السحاب»<sup>(۲)</sup>.

«ما (اهل بیت پیامبر ﷺ) پیشوایان امت اسلام، حجت های خدا بر جهانیان، آقای اهل ایمان، پیشوای روسفیدان و سرپرست مؤمنانیم. ما امان برای اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان امان برای اهل آسمانند. ما کسانی هستیم که خدا به واسطه ما آسمان را بر فراز زمین نگه داشت و اهل زمین را از هلاکت نجات بخشیده است. به واسطه ما باران می بارد و رحمت خدا منتشر می شود و زمین برکاتش را بیرون می آورد و اگر نبود در هر عصر و زمانی امامی از ما اهل بیت در زمین، زمین اهلش را فرو می برد و هلاک می کرد.»

سپس فرمودند: از هنگام خلقت آدم تا قیامت، زمین از حجت خدا خالی نبوده و نخواهد بود؛ خواه حجتش در میان مردم آشکار و معروف باشد یا غایب و ناپیدا. خدا در زمین عبادت نمی گردید». سلیمان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مردم در زمان

۱ - در بعضی از نسخه ها «خائف مغمور» ذکر شده است.

۲ - کمال الدین، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

غیبت چگونه از امام غایب بهره‌مند می‌شوند؟

آن حضرت فرمود: «همچنان که از خورشید هنگامی که در پشت ابرها است، بهره‌مند می‌گردند».

مفاد بیان امام علیه السلام در این حدیث، سه بخش است:

بخش اول در موقعیت ائمه علیهم السلام از جهت مقام و منصب الهی آنهاست که پیشوایان راستین اسلام پس از پیامبر گرامی حجت‌های خدا بر تمام عالمیان و سید و آقای اهل ایمان هستند که به فرمان خدای سبحان به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جامعه اسلامی معرفی گردیده و برای هدایت و رهبری همه انسان‌ها در تمامی قرون و اعصار تعیین گشته‌اند.

در بخش دوم از فرمایش امام سجاده علیه السلام پاره‌ای از برکات وجودی ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است که اختصاص به زمان حضور امام علیه السلام ندارد. زیرا آثار و برکات آن حضرت چنان گسترده است که شامل زمان حضور و غیبت می‌شود.

در بخش سوم از فرمایش امام سجاده علیه السلام، به چند نکته اساسی اشاره شده است:

الف) اگر امامی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمین نباشد، زمین اهلش را نابود می‌کند.

ب) این که خالی نبودن زمین از حجت خدا، یک سنت الهی است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا قیامت جریان دارد.

ج) این که عبادت خدا در زمین بستگی به وجود حجت خدا دارد.

(د) در کلام حضرت به بهره‌مند شدن مردم از وجود امام علیؑ در ایام غیبت تصریح شده است.

### امام علیؑ نگهبان اهل زمین

اینک نسبت به بعضی از فرازهای فرمایش امام سجاده علیؑ توضیحاتی ارائه می‌دهیم:

«نحن أمان لأهل الأرض كما أنّ النجوم أمان لأهل

السماء» (۱)

در این فراز از سخنان امام علیؑ به نقش حیاتی و پر اهمیت ائمه اطهار علیهم‌السلام نسبت به امنیت و آرامش اهل زمین اشاره گردیده و وجود امامان و رهبران معصوم - که از سوی خدا عهده دار مسئولیت هدایت و ارشاد و رهبری جامعه گردیده‌اند - برای اهل زمین، موجب امنیت و آرامش دانسته شده و این بسان ستارگان آسمان است که موجب آرامش اهل آسمانند.

### توضیح سخن امام علیؑ

ما هنگامی می‌توانیم مفاد و منظور کلام جامع و بلند امام سجاده علیؑ را خوب درک کنیم که نسبت به خداوند متعال و اهداف وی از خلقت

۱ - این جمله در توفیق امام زمان علیهما السلام نیز آمده که حضرت فرموده‌اند: «إني لأمان لأهل الأرض كما أنّ النجوم أمان لأهل السماء». احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۴۵.



انسان‌ها و سایر موجودات، شناخت صحیح داشته باشیم. زیرا شناخت صحیح خداوند متعال است که به انسان امکان شناخت پیامبر و امامان را می‌دهد.

به طور حتم اگر شناخت و برداشت انسان نسبت به معارف الهی ضعیف و ناچیز باشد و خصوصیات و صفات خداوند را در حد لزوم نشناسد، در معرفت پیامبر و امام نیز ناتوان خواهد بود؛ تاجایی که ممکن است کسانی را به عنوان پیامبر یا امام و خلیفه بشناسد که اساساً لیاقت این مناصب سه‌گانه را نداشته باشند. پس شناخت صحیح خداوند است که به انسان، این بینش و فهم را می‌دهد که دنبال هر کس که ادعای نبوت یا خلافت و امامت را بنماید، نرود و بدون دلیل و برهان قاطع، سخن کسی را نپذیرد.

با توجه به این مقدمه کوتاه، چنین نتیجه می‌گیریم که تمام انحرافات که در امم گذشته و صدر اسلام در امت اسلام رخ داد و مردم را به انحراف و ضلالت کشاند، معمولاً به واسطه کسانی بود که شناخت آن‌ها نسبت به خدا و پیامبران، ضعیف و نادرست بود؛ امت حضرت موسی علیه السلام به واسطه عدم شناخت صحیح و کافی از خدا و پیامبر، در آزمایش کوتاه و چهل روزه، شکست خورد و به دنبال سامری و گوساله‌اش راه افتاده و دست از بندگی خداوند عالم کشیده و گوساله را به عنوان معبود خود پذیرفتند. (۱)

۱- در آیاتی از قرآن کریم، مانند آیه ۵۱ سوره بقره به این مطلب اشاره شده است.

لذا در دعاهای رسیده از ائمه اطهار (علیهم السلام) این نکته خاطر نشان گردیده است که در هر حال، انسان باید شناخت خود را نسبت به خدا افزایش دهد و با دعا و درخواست از خداوند متعال کمک بگیرد. زیرا شناخت صحیح معارف دینی، اهم از شناخت پیامبر و امام، بستگی به شناخت خداوند دارد. لذا سفارش شده است که در هنگام دعا و کمک خواستن از خداوند چنین بگوییم:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنِ دِينِي»<sup>(۱)</sup>.

«خداوندا! خودت را به من بشناسان. زیرا اگر خودت را به من شناساندی، فرستاده‌ات را نخواهم شناخت. خداوندا! فرستاده‌ات را به من بشناسان. زیرا اگر فرستاده‌ات را معرفی نمودی، حجّت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجّت خود را به من بشناسان. زیرا اگر حجّتت را به من شناساندی، از دینم منحرف خواهم گشت».

مضمون این دعای شریف شاهد گفتار ماست که گفتیم اگر خدا را خوب بشناسیم، رسول خدا را نیز خواهیم شناخت و اگر پیامبر را شناختیم، امام و حجّت خدا، بعد از وی را نیز خواهیم شناخت.

آنچه در توضیح جملات این دعا باید گفت این که معرفت خداوند متعال دارای مراتب و درجاتی است که انسان تا حدی به برکت فطرت و عقل می‌تواند به آن دست یابد؛ لکن معرفت صحیح و کامل را باید به کمک پیامبران الهی و خلفای راستین آنان که بیانگر معارف دینی هستند، کسب کرد.

در این موضوع از ائمه اطهار علیهم السلام روایات فراوان رسیده است که به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:  
 «إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْْبُدُهُ هَكَذَا ضَلَالًا» (۱)

قلت: جعلت فداك فما معرفة الله؟

قال: تصديق الله عزوجل و تصديق رسوله و موالاته على عليه السلام والإلتزام به وبالائمة الهدى عليهم السلام والبرائة إلى الله عزوجل من عدوهم، هكذا يعرف الله عزوجل» (۲)

«همانا کسی خدا را عبادت می‌کند که او را شناخته باشد؛ اما کسی که خدا را نشناسد، عبادت او از روی ضلالت و گمراهی انجام می‌گیرد».

ابو حمزه با شنیدن این سخن از امام باقر علیه السلام، عرض کرد: معرفت خدا

چیست؟

۱- با توجه به ذیل روایت، «هكذا» اشاره به عبارت منحرفین از خط مستقیم ولایت ائمه اطهار علیهم السلام است.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

حضرت فرمود:

«معرفت خدا، تصدیق خدا و تصدیق رسول خدا و دوستی علی بن ابی طالب و پیروی نمودن از او و ائمه هدی علیهم السلام و بیزاری جستن از دشمنان آنها است. این است معرفت صحیح خداوند عزوجل».

### وجود امام معصوم موجب آرامش اهل زمین است

اگر شناخت صحیح نسبت به خداوند متعال از راه نزول وحی به وسیله حجت و امام بعد از پیامبر انجام گیرد، به خوبی روشن می شود که وجود امام معصوم در میان جامعه بشری از جهات گوناگون موجب آرامش و امنیت برای ساکنان زمین است.

اینک به گوشه‌ای از آن جهات اشاره می‌کنیم.

#### ۱- امنیت فکری و روحی

امام و حجت بر اساس این که مسئولیت هدایت و ارشاد جامعه را بر عهده دارد، از مرزهای اعتقادی و فکری جامعه اسلامی نگهبانی می‌کند تا مورد هجوم افکار غلط و اعتقادات منحرف دشمنان خدا واقع نشود. در پرتو هدایت و ارشاد حجت خداست که انحرافات فکری و عقیدتی که موجب تزلزل فکری و روحی جامعه است، از بین رفته و امنیت فکری و روحی به وجود می‌آید.

۲ - به دست گرفتن زمام امور جامعه

مسئولیت دیگر امام به دست گرفتن زمام امور جامعه است که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات کافی، امام زمام امور را به دست گرفته و قسط و عدالت همگانی را جایگزین بی‌عدالتی‌ها - که نظم و آرامش اجتماعی را بر هم می‌زند - می‌نماید؛ در نتیجه اهل زمین از آرامش و ثبات برخوردار می‌گردند.

اگر می‌بینیم که امام از تصرف ظاهری در اداره امور جهان خودداری می‌کند، به واسطه عدم وجود شرایط و مقدمات لازم است و خودداری از تصرف ظاهری در امور، چیزی نیست که منحصر به حضرت حجت علیه السلام باشد، بلکه امامان پیشین نیز چنین بودند، چنانکه در تاریخ زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بینیم که آن حضرت بیش از بیست و پنج سال در امور اجرایی دخالت و تصرف نکردند؛ در عین حال که از اولین لحظه ارتحال پیامبر گرامی اسلام واجد تمام شرایط زعامت جهان بشریت بودند و علاوه بر آن، از طرف خدا و پیامبر نیز به مقام ولایت و امامت بر مردم انتخاب شده بودند، لکن وقتی موضوع غصب خلافت پیش آمد، جامعه اسلامی به واسطه کوتاهی و سهل‌انگاری عده‌ای و نفاق و دشمنی عده‌ای دیگر از برکات وجود امام و رهبری معصوم، محروم ماند.

اگر امروز اجتماع ما از برکات تصرف مستقیم امام و حجت خدا محروم است، نه تنها مربوط به کوتاهی مسلمین صدر اسلام، بلکه به خاطر غفلت‌های جامعه خود ما نیز می‌باشد.

توضیح این که مسئول دخالت نکردن و تصرف نمودن ائمه اطهار علیهم السلام در گذشته و حال، مردمی هستند که از اطاعت پیشوایان راستین اسلام سرباز زدند و به مخالفت با آنان برخاستند. امید است روزی فرا رسد که جامعه اسلامی و مردم جهان به این حقیقت پی ببرند که برای دست یافتن به عالی‌ترین مدارج تکامل انسانی، ناگزیرند از انسانی کامل و معصوم که واجد تمام شرایط رهبری در ابعاد مختلف زندگی انسان است، اطاعت و پیروی کنند؛ در این صورت است که زمینه و شرایط برای تصرف مستقیم حجت و ولی خدا فراهم می‌گردد و امام با اذن خداوند متعال ظاهر خواهد گشت و زمین را از عدل و قسط پر کند و ظلم و بیداد را از بین ببرد، چنانکه امیرالمؤمنین علیؑ پس از بیست و پنج سال کناره‌گیری از تصرف در امور مسلمانان، بعد از فراهم شدن شرایط، رسماً زمام امور را به دست گرفت و موفق گردید که در این مدت کوتاه زعامت و رهبری خود نمونه‌ای از حکومت قرآن و اسلام را برای همه مسلمانان و حتی برای جهان بشریت ترسیم کند.

در پایان این بحث، فرمایش مرحوم محقق طوسی در «تجرید الاعتقاد» را می‌آوریم. او می‌گوید:

«وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا»<sup>(۱)</sup>.

وجود امام لطف و اتمام حجت بر بندگان است. خداوند به مقتضای حکمت خویش به وسیله انتخاب و نصب امام برای هدایت جامعه

بشری، حجت را بر همگان تمام نمود؛ به طوری که آن را نعمت دانسته و اکمال دین را مربوط به آن می‌داند. لذا دربارهٔ روز غدیر - روز نصب امام علیه السلام - می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾. (۱)

اما اگر مردم از این نعمت خداوند منتفع نمی‌شوند و امام در امور اجرایی تصرف نمی‌کند، به واسطهٔ سهل انگاری و کوتاهی خود آنها است. لذا بر تمام امت اسلام است که از خواب غفلت بیدار شوند و مقدمات حضور امام معصوم را در میان خود به وجود آورند تا از برکات کامل الهی برخوردار گردند. به امید آن روز.

### وجود امام، منشأ خیر و برکت

بر حسب روایات و اخبار، وجود افراد مؤمن در بین مردم، منشأ خیر و برکت و موجب نزول باران و جلب منافع و دفع بسیاری از بلاها و خطرها از جامعه است، چنانکه در تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره (۲) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لِيَدْفَعُ بِنِّمْنٍ يَصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَصَلِّي وَلَوْ

اجتمعوا على ترك الصلاة لهلكوا؛ به درستی که خداوند به واسطهٔ

نمازگزاران شیعه، بلا را از کسانی که نماز نمی‌خوانند، دفع می‌کند.

۱ - «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم». سورهٔ مائدهٔ آیه ۳.

۲ - ﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾.

زیرا اگر همه شیعیان نماز را ترک کنند، هلاک می‌گردند»<sup>(۱)</sup>.  
آنگاه حضرت نسبت به سایر احکام، مانند پرداخت زکات و حجّ گزاردن همین مطلب را می‌فرماید.  
واضح است که وقتی وجود افراد مؤمن در اجتماع، چنین برکتی را به همراه داشته باشد، برکات وجود امام معصوم که ولیّ و حجّت خدا بر مردم است، به مراتب بیشتر خواهد بود. زیرا امام و حجّت خدا واسطه رسیدن فیض و برکت خداوند متعال به مردم و برطرف کننده بلاها از آنان است. چنانکه امام سجاده علیه السلام درباره برکات وجودی ائمه اطهار علیهم السلام می‌فرماید:

«ماکسانی هستیم که به واسطه ما آسمان بر فراز زمین نگهداری شده و زمین از هلاک نمودن اهلش منع گردیده است».

حضرت در ادامه می‌فرماید:

«وبنا ینزل الغیث و تنشر الرحمة و تخرج برکات الأرض»<sup>(۲)</sup>.  
در این فراز از بیان امام، به برکاتی دیگر اشاره گردیده و نزول باران و انتشار رحمت خدا و خروج برکات زمین، از آثار وجودی ائمه اطهار علیهم السلام شمرده شده است. این موضوع یک اصل قرآنی است؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ

۱ - اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۲ - کمال الدین، ص ۲۰۷.



وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١﴾

«اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ لکن (آنها حق را) تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

نکته‌ای که از این آیه می‌توان استفاده نمود این است که اهل شهرها و آبادی‌ها، تقوا را رعایت نکردند و حق را نیز انکار و تکذیب نمودند و سزاوار تنبیه و مجازات الهی گردیدند؛ لکن در عین حال مشاهده می‌کنیم که باران رحمت الهی ریزش می‌کند و برکات زمین از دل آن خارج می‌گردد و اهل زمین از آن بهره‌مند می‌شوند و این نمی‌شود مگر به واسطه وجود ائمه اطهار علیهم السلام که مظهر قدس و تقوا و پرهیزکاری در زمین هستند. خداوند نه تنها به خاطر آنان برکاتش را از اهل زمین دریغ نمی‌کند، بلکه بلاها و آفات را نیز به واسطه کرامت و عظمت ائمه اطهار علیهم السلام در پیشگاهش، از اهل زمین برطرف می‌کند و به انسان‌های گنهکار مهلت می‌دهد تا شاید به وسیله توبه و انابه به سوی خدا بازگردند؛ زیرا وجود ائمه معصومین همچون وجود پیامبر سبب خیر و برکت و رفع عذاب از امت است چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ (۲)

۱ - سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲ - سوره انفال، آیه ۳۳.

«ای پیامبر! تا تو در میان امت هستی خداوند آنان را عذاب نمی‌کند».

### علت نیاز مردم به پیامبر و امام

در تفسیر آیه ۳۳ سوره انفال از امام باقر علیه السلام روایتی نقل شده، که ذکر آن در اینجا مناسب است.

جابر بن یزید جعفی می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم:

«لأني شيء يحتاج إلى النبي والإمام؟»

فقال: لبقاء العالم على صلاحه، و ذلك إن الله عزوجل يرفع العذاب عن أهل الأرض إذا كان فيها نبي أو إمام، قال الله عزوجل: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ»<sup>(۱)</sup> و قال النبي صلوات الله وسلامه عليه: النجوم أمان لأهل السماء و أهل بيتي أمان لأهل الأرض.

ثم قال علیه السلام: يعني بأهل بيته الأئمة عليهم السلام الذين قرن الله عزوجل طاعتهم بطاعته»<sup>(۲)</sup>.

«علت نیاز به پیامبر و امام چیست؟»

حضرت فرمودند: استوار ماندن جهان و تباه نشدن آن. زیرا خداوند، عذاب را از اهل زمین بر می‌دارد مادامی که پیامبر و امام

۱ - سوره انفال، آیه ۳۳.

۲ - تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۵۲.

در آن باشد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد». و پیامبر نیز فرموده است: ستارگان موجب امانت برای اهل آسمان هستند و اهل بیت من موجب امانت و امان برای اهل زمین. سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: منظور پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت، کسانی هستند که خداوند اطاعت آنان را مقرون به اطاعت خودش فرموده است». (۱)

### احساس آرامش در سایه امام

یکی دیگر از ثمرات و فواید مهمی که بر وجود امام در میان بندگان خدا مترتب است، این است که وجود شخصیتی بزرگ و ملکوتی و معصوم که آگاه از حال مردم است، در میان افرادی که اعتقاد به امامت و رهبری وی دارند و او را از هر کس دیگر نسبت به خود مهربان‌تر و دلسوزتر می‌دانند، موجب دلگرمی و قوت روحی برای آنها است، و هر نوع یأس و نومیدی را از ایشان دور می‌کند و آنان را به آینده‌ای روشن و ارزشمند امیدوار می‌سازد؛ امیدی که در انتظار دمیدن صبح دولت کریمه و عدالت گستر وی لحظه شماری می‌کنند و توفیق درک حضور حضرتش را از خداوند متعال درخواست می‌نمایند.

به عبارت دیگر، وجود امام، نقطه اتکایی است برای بندگان خدا که در

۱ - این کلام اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء دارد.

هنگام مواجه شدن با حوادث هولناک، به وی پناه برند و به عنوان پناهگاهی چاره ساز و آرام بخش از وجود امام منتفع گردند و به تلاش و کوشش خویش در راستای نیل به اهداف الهی و اسلامی ادامه دهند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسَ اتَّقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ؛ مَا دَرَّ هِنْكَامٌ شَدَايِدٌ وَ سَخْتِي هَايِ جَنْكٍ وَ مَحَارِبِهِ بِأَدْسِمَانِ خَدَاءِ، بِهَ پِيَامِبِرِ پِنَاهِ مِي بَرْدِيمِ. آن حضرت از همه ما به دشمن نزدیک تر بود.»<sup>(۱)</sup>

### امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام

روایاتی که از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام درباره غیبت حضرت مهدی علیه السلام رسیده، امکان بهره‌مندی از وجود آن حضرت را در عصر غیبت، مانند بهره‌مندی از نور خورشید، هنگامی که در پشت ابرها نهان است، دانسته است<sup>(۲)</sup> و حتی این معنی را خود حضرت نیز در پاسخ به بعضی از افراد فرموده‌اند:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابِ»<sup>(۳)</sup>؛ اما چگونگی بهره‌مندی از من در ایام غیبت، مانند بهره‌مندی از نور خورشید است زمانی که

۱ - نهج البلاغه، جمله نهم از کلمات غریبه.

۲ - روایت جابر از پیامبر اکرم، کمال الدین، ص ۲۵۳ و ۴۸۴.

۳ - کمال الدین، ص ۴۸۵.

ابرها آن را از چشمان مردم پوشیده باشند».

از جمله امدادهای غیبی حضرت به جامعه شیعه، عنایت خاص آن بزرگوار به شیعیان است چنانکه در توقیعی از حضرتش برای شیخ مفید رحمته الله، چنین آمده است:

«إنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم ولولا ذلك لنزل بكم اللأواء واصطلمكم الأعداء<sup>(۱)</sup>؛ «ما همیشه مراعات شما را می‌نماییم و به یاد شما هستیم و گرنه، دشواری‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌ریخت و دشمنان، شما را لگدمال می‌کردند».

از این جملات محبت‌آمیز حضرت استفاده می‌شود که پیوسته امدادهایی پر برکت از ناحیه آن بزرگوار به ما می‌رسد.

امکان تشریف به حضور امام علیہ السلام

در زمان غیبت

بحث امکان تشرّف در زمان غیبت را با حدیثی از امام صادق علیه السلام آغاز

می‌کنیم:

«قال أبو عبد الله عليه السلام: للقائم غيبتان: إحداهما قصيرة،

والأخرى طويلة، الغيبة الأولى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة

شيعة، والأخرى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة موالیه»<sup>(۱)</sup>.

«امام صادق علیه السلام فرمود: برای قائم علیه السلام دو گونه غیبت وجود داد:

یکی از آن دو کوتاه و دیگری طولانی می‌باشد.

ویژگی غیبت اول آن است که مکان آن حضرت را جز خواصّ

شیعیان کسی نمی‌داند. ویژگی غیبت دوم آن است که مکان آن

حضرت را جز خواص موالی و دوستان وی کسی نمی‌داند».

از این روایت نکاتی استفاده می‌شود که شایان ذکر و متناسب با

موضوع بحث است. البتّه قبل از بیان نکات، لازم است بگوییم:

اولاً: این روایت از نظر سند صحیح است و تمام راویان آن از افراد

موثّق هستند.<sup>(۲)</sup>

۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ غیبت نعمانی، ص ۱۷۰، با اندکی اختلاف.

۲ - راویان حدیث عبارتند از: مرحوم کلینی، محمد بن یحیی، محمد بن حسین (ابو جعفر

ثانیاً: روایات به این مضمون متعدّد است که به خاطر رعایت اختصار به ذکر یکی از آنها اکتفا کردیم.

اینک به طور اختصار نکات را بیان می‌نماییم:

نکته اول: از جمله «للقائم غیبتان إحداهما قصيرة» استفاده می‌شود که حضرت قائم علیه السلام دارای دو گونه غیبت است؛ یکی از آن دو کوتاه و دیگری طولانی است که جمله «الأخری طویلة» اشاره به آن است.

### غیبت صغری

با توجه به روایاتی که ولادت حضرت مهدی علیه السلام را مانند ولادت موسی علیه السلام در خفا دانسته، می‌توان گفت که آغاز غیبت صغری همزمان با ولادت آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق بوده است. این غیبت کوتاه مدّت، در نیمه شعبان سال ۳۲۹ ه. ق با وفات علی بن محمد سمّری رضی الله عنه - نایب چهارم حضرت - پایان پذیرفت.

البته بعضی از علما و دانشمندان شیعه آغاز غیبت صغری را همزمان با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به سال ۲۶۰ ه. ق دانسته‌اند.

بنابر این، غیبت اول را اگر همزمان با تولّد حضرت دانستیم، مدّت آن ۷۴ سال و اگر آغاز آن را از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بدانیم، مدّت آن ۶۹ سال خواهد بود. این مقدار نسبت به غیبت دوم حضرت که هنوز ادامه دارد، بسیار کوتاه است.

نکته دوم: از جمله «الغیبة الأولى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصّة شیعته»



استفاده می شود که غیبت صغری نه تنها از جهت زمان محدود بود، بلکه از نظر شعاع و گستردگی نیز محدودیت داشته است. زیرا به دلیل این روایت، در غیبت صغری فقط شیعیان خاص مانند ثواب خاص و بعضی از وکلای آن حضرت، مکان و محل ایشان را می دانستند و با وی در ارتباط بودند.

همچنین افرادی در زمان حیات و زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام که آغاز غیبت صغری بود، به محضر حضرت می رسیدند، مانند ثواب خاص، و احیاناً افراد دیگری بعد از امام حسن عسکری علیه السلام نیز با حضرت در ارتباط بودند و گاهی به فیض درک حضورش نایل می شدند که این موضوع با مراجعه به تاریخ غیبت صغری روشن می شود.

البته تشرف به حضور امام زمان علیه السلام در زمان حیات و زندگی امام حسن عسکری علیه السلام بیشتر بود. زیرا آن حضرت عنایت داشتند که با تدبیرهای ویژه ای - که مزاحمتی از طرف حکومت برای ایشان فراهم نشود - فرزند عزیزشان را به خواص اصحاب و شیعیان خود نشان دهند و بر امامت وی بعد از خود تأکید نمایند، تا در آینده شیعیان نسبت به شناخت امام در حیرت و سرگردانی نمانند.

لذا امام حسن عسکری علیه السلام به هنگام لزوم، در مواردی، به افراد متعددی حضرت مهدی علیه السلام را نشان می دادند و بر امامت وی تأکید می کردند. زیرا حضرت می دانستند که اگر ولادت آن حضرت به طور کلی در خفا بماند، موجب حیرت و سرگردانی شیعیان خواهد شد.

از سوی دیگر شیعیان نیز در شرایطی بودند که با مشاهده آثار و علایم

وقوع غیبت در آینده نزدیک، نسبت به شناسایی امام دوازدهم علیه السلام حساس شده بودند و پیوسته از امام عسکری علیه السلام در مورد وی پرسش می‌کردند. این امر نیز سبب می‌شد که حضرت، بیشتر در شناساندن فرزندشان به عنوان آخرین وصی و جانشین معصوم پیامبر اهتمام بورزد. در این مورد شواهد تاریخی فراوان وجود دارد که نمونه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم:

مرحوم صدوق با سند صحیح از احمد بن اسحاق نقل می‌کند که گفت: «خدمت حضرت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و خواستم درباره امام بعد از وی پرسش کنم. آن حضرت قبل از آن‌که من سؤال کنم فرمود: «احمد بن اسحاق! خداوند از هنگام خلقت آدم تاکنون زمین را از حجت خالی نگذاشته و تا قیامت نیز زمین را از کسی که به وسیله او بلاها را از اهل زمین دفع کند و باران رحمتش را فرو فرستد و برکات زمین را برویاند، خالی نخواهد گذاشت.

عرض کردم: یا بن رسول الله! امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ حضرت از جای برخاستند و با سرعت وارد اطاق شدند. وقتی بیرون آمدند، کودک سه ساله‌ای مانند ماه شب چهارده، بر دوش وی بود. آن‌گاه فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر تو نزد خدا و حجت‌های وی گرامی نبودی، فرزندانم را به تو نشان نمی‌دادم. او همانم و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همان کسی است که زمین را از قسط و عدالت پر کند، همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در امت اسلام، مثل حضرت خضر علیه السلام و ذی‌القرنین است. به خدا سوگند او را غیبتی است که در آن، کسی

بر اعتقاد به امامت او نخواهد ماند مگر فردی که خدا او را ثابت نگه دارد و او را به دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام عصر علیه السلام توفیق دهد.

عرض کردم: ای آقای من! آیا معجزه و علامتی هست که قلب من به واسطه آن مطمئن گردد؟

فَنطَقُ الْغَلَامَ علیه السلام بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَقَالَ: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، وَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛ فِي هَذَا هِنَاكَ أَنْ فَرَزْنَا خَرْدَسَالَ بِهَذَا زَبَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَرَمُودَ: «مِنْ ذَخِيرَةِ خَدَا فِي رُؤْيِ زَمِينٍ وَانْتِقَامِ كَائِنَةٍ مِنْ دُشْمَانِ أَوْ هَسْتُمْ. أَيْ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ! بَعْدَ أَنْ كُنْتَ خُودَمَ رَا مَشَاهِدَةً كَرْدِي، دِيكَرِ دَنْبَالِ عِلَامَتِ وَنَشَانَةِ مِنْ مَكْرَدِ».

احمد بن اسحاق گوید: خوشحال و مسرور، از حضور حضرت امام حسن عسکری و حضرت مهدی علیه السلام بیرون رفتم.

روز بعد به حضور حضرت برگشتم و عرض کردم: یا بن رسول الله! به سبب احسانی که دیروز به من کردید (و امام بعد از خودتان را به من نشان دادید) سرورم فراوان شد؛ لکن بفرمایید که چه سنتی از خضر و ذی القرنین در آن حضرت است؟

حضرت فرمودند: طولانی شدن غیبت او، ای احمد!

عرض کردم: آیا غیبت او به درازا می کشد؟

حضرت فرمود: آری به خدا سوگند! تا جایی که بسیاری از معتقدان به امامت او به واسطه طولانی شدن غیبتش از اعتقادشان برگردند، و ثابت نماند مگر کسی که خدا از او عهد و پیمان گرفته و ایمان به او را در قلبش جا داده و او را مؤید فرموده باشد.

آن‌گاه امام عسکری علیه السلام فرمودند:

يا أحمد بن إسحاق، هذا أمر من أمر الله و سر من سر الله و غيب من غيب الله، فخذ ما آتيتك و اکتمه و کن من الشاکرين، تکن معنا غداً في عليين؛ ای احمد بن اسحاق! غیبت امری است الهی و سرّی است از اسرار خدا و رازی است از رازهای خدا. آنچه به تو گفتم، بگیر و آن را پوشیده دار و از سپاسگزاران باش، تا فردای قیامت در درجات عالی با ما باشی. (۱)

با توجه به این روایت، روشن گردید که در ایام پر برکت زندگانی امام عسکری علیه السلام عده‌ای از خواصّ شیعه شرفیاب حضور حضرت بقیه الله علیه السلام شده و امام خویش و حجت خدا بعد از امام عسکری علیه السلام را شناخته بودند.

نکته سوم: از جمله «والأخري لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة موالیه» استفاده می‌شود که در دوران غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام نیز موالیان و خدمت‌کارانی برای حضرت وجود دارند که جا و مکان وی را می‌دانند. با توجه به این نکته که از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده کردیم، بحث امکان تشرف به حضور امام زمان علیه السلام در غیبت کبری را ادامه می‌دهیم. در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

«هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى؟» (۲)

«آیا راهی به سویت ای فرزند احمد هست تا ملاقات شوی؟»

سؤالی که با خواندن این جمله، در ذهن مشتاقان حضرت مهدی علیه السلام

۱ - کمال الدین، ص ۳۸۵، ح ۱.

۲ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

خطور می کند این است که: آیا در عصر غیبت کبری راهی برای شرفیابی به حضور امام زمان علیه السلام هست؟

در جواب پرسش فوق به طور اجمال می توان گفت: آری! در زمان غیبت کبری امکان تشرّف به حضور امام زمان علیه السلام هست. زیرا افراد زیادی در طول غیبت کبری به سعادت دیدار حضرت بقية الله الأعظم علیه السلام دست یافته اند.<sup>(۱)</sup> اما برای این که پرسش فوق را به صورت مفصل جواب دهیم، لازم است موضوع سؤال را از دو جهت بحث نماییم:

۱. از جهت امکان عقلی.

۲. از جهت دلیل نقلی.

### امکان تشرّف به حضور امام زمان علیه السلام از نظر عقل

اگر از دیدگاه عقل به این مسئله بنگریم، هیچ گونه مانعی در این باره وجود ندارد و عقل آن را ممکن می داند. زیرا تحقق آن نه امری محال است و نه مستلزم امر محال می باشد. بنابر این، همانگونه که خداوند به پیامبر می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»<sup>(۲)</sup>؛ به مردم بگو، من نیز مانند شما انسانم». امام عصر علیه السلام نیز همچون پیامبر هستند و گرچه از انظار عموم غایب می باشند، ولی عقل، دیدن و مشاهده آن حضرت را ممکن می داند. علاوه بر این، - طبق شواهد متقن تاریخی، افراد بسیاری در دروه غیبت کبری به حضور حضرتش رسیده اند که این دلیل قاطعی بر امکان

---

۱ - برای اطلاع بیشتر در این زمینه به کتاب هایی مانند: نجم الثاقب، العبقري الحسان، جنة المأوى و بغية الطالب فيمن رأى الإمام الغائب مراجعه شود.

۲ - سوره كهف، آیه ۱۱.

تشرّف است. زیرا بهترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع آن است. در این جهت از بحث به همین مقدار بسنده می‌کنیم. زیرا هدف اساسی ما این است که این موضوع را از نظر روایات و براهین نقلی بررسی کنیم.

### امکان تشرّف به حضور امام زمان علیه السلام از نظر نقل

روایات ائمه اطهار علیهم السلام در مورد زندگانی حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت، از نظر دلالت به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

**دسته اول:** روایاتی است که از آنها استفاده می‌شود که امام زمان علیه السلام به طور طبیعی و معمولی، اما به صورت ناشناس و با «خفای عنوان» در میان مردم و اجتماع می‌باشند و مردم را می‌بینند و می‌شناسند و مردم نیز حضرت را مشاهده می‌کنند، لکن آن حضرت را نمی‌شناسند.

اینک نمونه‌هایی از آن روایات را متذکر می‌شویم:

۱ - سدید می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «به تحقیق در صاحب این امر شباهتی از یوسف خواهد بود».

عرض کردم: گویا شما از غیبت وی سخن می‌گویید؟

حضرت فرمود:

چرا این مردم خوک صفت، موضوع غیبت را انکار می‌کنند. - مگر نمی‌دانند که - برادران یوسف که عاقل و با خرد و فرزندان پیامبران بودند، هنگام ورود بر وی با او به گفتگو و داد و ستد پرداختند، اما او را شناختند تا این که خود را به آنان معرفی فرمود. آن‌گاه یوسف را شناختند. پس چرا این امت حیران، انکار می‌کنند که خداوند در پاره‌ای از اوقات، حجتش را از آنان مستور بدارد؟»

... فما تنكر هذه الأمة أن يكون الله يفعل بحجته ما فعل  
بيوسف وأن يكون صاحبكم المظلوم، المجحود حقّه،  
صاحب هذا الأمر يتردد بينهم، و يمشي في أسواقهم، و يطأ  
فرشهم ولا يعرفونه حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه كما اذن  
ليوسف حين قال له إخوته: «أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا  
يُوسُفُ»<sup>(۱)</sup> پس چرا این امت انکار می کند که خداوند با حجت  
خویش همان کند که با یوسف کرد؟ یعنی صاحب شما که مظلوم  
است و حقش را انکار می کنند، در بین امت رفت و آمد کند و در  
بازارشان راه رود و بر فرش هایشان قدم نهد. ولی او را شناسند تا  
خدا به وی اجازه دهد که خود را به آنان معرفی کند همچنان که به  
یوسف اجازه داد در آن هنگام که برادرانش به وی گفتند: آیا تو  
یوسفی؟! فرمود بلی، من یوسف هستم»<sup>(۲)</sup>.

۲ - در حدیثی امام صادق علیه السلام شباهت آن حضرت را با یوسف پیامبر  
چنین بیان می فرماید:

«وَأَمَّا سَنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ فَالْسَّنَّةُ يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْخَلْقِ  
حِجَاباً يَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ»<sup>(۳)</sup>.

«اما سَنَّتِي که از یوسف علیه السلام در صاحب این امر می باشد این است که  
خداوند بین او و سایر خلق، حجابی قرار می دهد که او را می بینند،  
ولی نمی شناسند».

۱ - سوره یوسف، آیه ۹۰.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۳ - کمال الدین، ص ۳۵۱، ح ۴۶.

۳- جناب محمد بن عثمان - نایب خاص حضرت در غیبت صغری - که از دیگران به حال امام علیه السلام آگاه‌تر است، می‌فرماید:

«والله إنَّ صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة فيرى الناس و يعرفهم ويروونه ولا يعرفونه»<sup>(۱)</sup>.

«سوگند به خدا! همانا صاحب این امر همه ساله در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را مشاهده می‌کند و می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند».

از این دسته روایات که از نظر تعداد قابل ملاحظه است، نکاتی استفاده می‌شود:

#### نکته اول: امکان مشاهده حضرت مهدی علیه السلام

این روایات بیانگر امکان مشاهده حضرت مهدی علیه السلام در غیبت کبری است. زیرا در آن‌ها تصریح شده است: «همان طور که امام علیه السلام مردم را مشاهده می‌کند، مردم نیز آن حضرت را می‌بینند، اما نمی‌شناسند».

#### نکته دوم: چگونگی ارتباط با امام زمان علیه السلام در غیبت کبری

از این دسته روایات استفاده می‌شود که امام صادق علیه السلام مدت‌ها قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام با بهره‌گیری از قصه حضرت یوسف، مسئله امکان تشرف و ارتباط با آن حضرت را در عصر غیبت کبری، ممکن دانسته و کیفیت و چگونگی آن را نیز بیان فرموده‌اند؛ آن‌جا که حضرت در



بیان سنتی از یوسف در حضرت مهدی علیه السلام، فرمود: «خداوند بین او و خلق حجابی قرار می‌دهد که در عین حالی که وی را مشاهده می‌کنند، نمی‌شناسند». از جمله‌ای که در چند حدیث آمده است، استفاده می‌شود که همان طور که برادران یوسف علیه السلام در هنگام مواجه شدن با وی، او را نشناختند و به عنوان عزیز و پادشاه مصر او را صدا زدند و از حضرتش تقاضای کمک بیشتر کردند، حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین حالتی دارند که در عصر غیبت کبری، امکان دارد افرادی با حضرت برخورد و مراوده داشته باشند و با وی گفتگو نمایند، اما او را نشناسند؛ همانند یوسف علیه السلام که حتی برادران وی بعد از آن همه برخوردهای متعدد که همراه با گفتگو و داد و ستدهای تجاری بود، یوسف علیه السلام را نشناختند، تا این که یوسف علیه السلام که به خوبی برادران را می‌شناخت، خطاب به آنان فرمود: «آیا دانستید که شما از روی جهالت با یوسف و برادرش چه کردید؟!»

در این هنگام برادران یوسف متوجه شدند و گفتند: «آیا تو یوسفی؟!» فرمود: «من یوسفم و این هم برادرم». (۱)

نتیجه این که، اگر چه تشرّف به حضور امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری، امری است ممکن، لکن باید دانست غالب کسانی که به این سعادت بزرگ دست یافته‌اند، در آن هنگام، حضرت را نشناخته‌اند، بلکه بعد از ملاقات با حضرت، طبق نشانه‌ها و شواهد، فهمیده‌اند که مورد عنایت خداوند قرار گرفته‌اند و لحظاتی را در حضور ولیّ خدا گذرانده‌اند. شاهد بر این موضوع، حکایات و قضایای فراوانی است که توسط

افراد موثق و مورد اعتماد نقل گردیده است و به هیچ وجه قابل خدشه نیست. البته دانستن این مطلب نیز لازم است که در مواردی هم ممکن است بعضی از افراد در هنگام تشرف، التفات به آن داشته باشند؛ لکن این موارد بستگی به اجازه خداوند دارد که حضرت کسی را مورد عنایت خاص خودشان قرار دهند، اما در عین حال که الطاف و عنایات حضرت مهدی علیه السلام به شیعیان و ارادتمندانش فراوان است، لکن به جهت مصالح مهم‌تری که در کار است، در چنین مواردی که انسان هنگام برخورد و ملاقات با حضرت، ایشان را بشناسد اندک است.

#### نکته سوم: امام زمان علیه السلام در دوران غیبت با مردم هستند

این روایات ما را متوجه این امر می‌کند که بودن آن حضرت در بین مردم، تأثیر عمیق اخلاقی و معنوی در روحیه افراد متدین و مؤمن می‌گذارد. زیرا وقتی توجه داشته باشیم که حجّت و ولیّ خدا بر اساس مصالح و حکمت‌هایی که بر ما پوشیده است از انظار غایب می‌باشد لکن غیبت آن حضرت به گونه‌ای نیست که به کلی از ما بیگانه و دور باشند، بیشتر به فکر خود سازی و اصلاح نفس خواهیم بود چنانکه در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

«بنفسي أنت من مغيب لم يخل منا، بنفسي أنت من نازح ما  
نزع عنا؛ جانم به فدای غایبی که از میان ما بیرون نیست! جانم به  
فدای دور از وطنی که از ما برکنار نیست!»

این عبارت به خوبی دلالت دارد که امام زمان علیه السلام در بین مردم حضور دارند؛ نه این‌که از میان مردم، خارج و دور باشند. بدیهی است اعتقاد به

ظهور ولیّ عصر علیّه با این باور که وی در زمان غیبت نیز در میان مردم است و از ما کنار نیست تأثیرات مثبت و سازنده‌ای دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

### آثار سازنده انتظار

از آثار مثبت و سازنده باور دینی انتظار در مورد ولی و حجّت خدا این است که این اعتقاد - که ریشه در اعماق فرهنگ اصیل اسلامی دارد و از «قرآن و سنّت» گرفته شده است - سبب اتّحاد و قوّت قلب و تصمیم‌گیری و اهتمام شدید افراد نسبت به انجام تکالیف و وظایف شرعی می‌شود و از سوی دیگر موجب خلوص نیّت و تهذیب نفس و رشد اخلاقی در فرد و اجتماع می‌گردد. چنین اعتقادی با این نظریه که «غیبت، باعث تفرقه و ضعف و سستی در مردم می‌شود»<sup>(۱)</sup> مغایرت اساسی دارد. زیرا این اعتقاد و باور دینی بهترین وسیله انذار نسبت به کارهای منفی و خلاف اخلاق است و مردم را از ارتکاب معاصی و گناهان باز می‌دارد. از سوی دیگر، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیّه بهترین عامل تشویق و ترغیب به کارهای خیر و اعمال صالح است.

به همین جهت است که در روایات منقول از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، انتظار از برترین اعمال شمرده شده است چنانکه پیامبر اکرم می‌فرماید:

«أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج من الله عزوجل».<sup>(۲)</sup>

۱ - چنانکه بعضی از ناآگاهان از اهل سنت - مانند طنطاوی در تفسیرش - نسبت به عقاید حقّه شیعه امامیه پنداشته‌اند. به نقل از امامت و مهدویت، ص ۴۳۲.

۲ - کمال الدین، ص ۶۴۴.

«بهترین اعمال امت من، انتظار فرج از سوی خداوند عزوجل است». بدون شک، انتظار فرج هنگامی از برترین عمل‌های امت خواهد بود که شخص منتظر سعی کند تمام اعمال و کردار خود را بر اساس موازین اسلام و بدون سهل انگاری انجام دهد.

این جا است که باید گفت: کسانی که اسلام را طبق سفارش پیامبر از اهل بیت آن حضرت گرفته‌اند، هیچ مشکل فکری و عقیدتی نسبت به اعتقادات اسلامی ندارند. زیرا ائمه اطهار علیهم السلام در طول دوستان و پنجاه سال بعد از پیامبر، تمام مسایل اسلامی را با بهترین شیوه بیان فرموده‌اند و چیزی را ناگفته نگذاشته‌اند؛ اما کسانی که دنبال بیگانگان رفته و بر کشتی نجات ننشسته‌اند، هیچ وقت نخواهند توانست طعم شیرین معارف اسلام و قرآن را بچشند. زیرا از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند:

«مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح من توصل بهم نجى و من تخلف عنهم هلك»<sup>(۱)</sup>.

«مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است؛ هر که متوسل به آن شد، نجات یافت و هر که از آن تخلف ورزید، هلاک گردید».

آری! اگر طنطاوی و ابن خلدون و امثال آنها، موضوع انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از دیدگاه مبارک امام صادق علیه السلام می‌نگریستند، هیچ وقت مرتکب اشتباهاتی که آنان را بدنام ساخته است، نمی‌شدند و انتظار را عامل رکود نمی‌دانستند؛ بلکه منتظران را افرادی پر تلاش و فعال می‌دانستند همانگونه که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱ - این حدیث را بیش از صد نفر از علماء اهل سنت در کتب معتبره خود نقل کرده‌اند. به نقل از شبهای پیشاور، ص ۲۲۶.

«المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله يذب عنه» (۱)

«منتظر امام دوازدهم - حضرت مهدی علیه السلام - مانند کسی است که در رکاب پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله شمشیر کشیده، از آن حضرت دفاع می کند».

از مفهوم این حدیث و احادیث دیگر به این مضمون، روشن می شود که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نه تنها ایجاد ضعف در افراد نمی کند، بلکه موجب تحرّک و آمادگی زیاد در آنها می شود. زیرا کسی که بخواهد در حضور شخصیتی مانند پیامبر گرامی، از اسلام و ارزش های والای آن دفاع کند و در راه خدا شمشیر بزند، باید آمادگی کافی داشته باشد.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله» (۲)

«کسی که منتظر امر ما (قیام حضرت مهدی علیه السلام) باشد، مانند کسی است که در راه خدا در خون خویش بغلطد».

از این حدیث نیز به خوبی استفاده می شود که منتظرین واقعی امام زمان علیه السلام لحظه ای از تحرّک و تکاپو در پیشبرد اهداف دین، باز نمی ایستند، بلکه همیشه سعی و کوشش می کنند که خود را بر اساس اسلام اصیل و مکتب اهل بیت علیهم السلام آن چنان پرورش دهند که صلاحیت و شایستگی درک حضور حضرت را در زمان ظهور وی داشته باشند تا از

---

۱ - کمال الدین، ص ۶۴۷.

۲ - همان، ص ۶۴۵.

مصادیق آیه کریمه زیر باشند:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾ (۱)

«ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام  
وارث (حکومت) زمین خواهند گردید».

این جا است که باید گفت: اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام آن چنان  
که در روایات اهل بیت علیهم السلام بیان گردیده است، رمز عدالت خواهی و  
وحدت کلمه در میان همه مردمان جهان در حکومت الهی آن بزرگوار  
است چنانکه امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عمار سباباطی فرمود:

عمار از آن حضرت سؤال کرد یابن رسول الله! در این صورت که عبادت  
در زمان دولت‌های باطل با ترس، برتر از عبادت در زمان ظهور دولت حق  
است، چرا ما آرزو کنیم که از اصحاب قائم علیه السلام در ظهور حق باشیم؟

حضرت صادق در جواب فرمود:

«سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند - به واسطه آن  
حضرت - دین حق و عدالت را در تمام بلاد دنیا آشکار گرداند و  
حال همه مردم بهبود یابد؟!»

ويجمع الله الكلمة و يؤلف بين قلوب مختلفة ولا يعصي الله  
عز وجل في أرضه و يقام حدود الله في خلقه، ويرد الله الحق  
إلى أهله فيظهره حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة  
أحد من الخلق. (۲)

۱ - سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۲ - اکمال الدین، ص ۶۴۶ و ۶۴۷.

و خداوند - به واسطه حضرت مهدی علیّه - همه مردم را زیر پرچم توحید و کلمه «لا اله الا الله» جمع کند و بین قلب‌های پراکنده و مختلف، دوستی و اتحاد ایجاد کند و گناه را از روی زمین بر دارد و حدود و احکام خدا در میان خلق خدا اجرا گردد و حق به صاحبانش رسد تا آن را ظاهر کنند و چیزی از حق را به جهت ترس از مردم مخفی نکنند».

به جرأت می‌توان گفت که ایمان و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیّه - تنها منجی عالم بشریت - با توجه به شناختی که روایات اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السلام به ما می‌دهد، نه تنها موجب تفرقه و ضعف و سستی در مسلمانان نمی‌شود؛ بلکه رمز اتحاد و قدرت و شوکت مسلمانان در آن نهفته است. زیرا اعتقاد به آن، یعنی اعتقاد به حاکمیت تمام ارزش‌های اسلامی در سطح دنیا و آرزوی غلبه دین حق بر تمام ادیان باطل؛ اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیّه، یعنی اعتقاد به تحقق وعده‌های الهی در پیروزی کامل اسلام بر تمام ادیان عالم همانطور که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (۱)

خدا کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان غلبه و پیروزی بخشد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. اینک از تمام کسانی که می‌خواهند با مسئله غیبت و ظهور و اهداف

الهی آخرین ذخیره خدا، حضرت بقیه الله علیه السلام آشنا شوند، می‌خواهیم که سعی کنند این معرفت را از طریق قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام - که معدن علوم پیامبر اسلام و تمامی انبیای الهی هستند - فراگیرند تا به حقیقت دست یابند و طعم شیرین ایمان را بچشند.

### نتیجه

از آنچه گفته شد چنین نتیجه می‌گیریم که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و مسئله انتظار، در صورتی باعث رکود است که مفهوم آن تحریف شود همان طوری که بعضی از مخالفان و دشمنان اسلام آن را تحریف کرده و می‌کنند؛ اما اگر این اعتقاد و باور دینی - که از مهم‌ترین مسایل اسلامی به شمار می‌رود - به مفهوم واقعی آن به جامعه اسلامی و بشریت تفهیم شود، بزرگ‌ترین عامل تربیت و خودسازی و تحرک و امید به آینده نورانی و روشن خواهد بود و از مدارک معتبری که این موضوع را تأیید می‌کند، روایتی است که در ذیل آیه کریمه زیر ذکر شده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ﴾ (۱)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به



سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر سکه پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که فرموده‌اند: «این آیه درباره امام مهدی علیّه و اصحاب آن حضرت نازل شده است»<sup>(۱)</sup>.  
لذا تمام کسانی که منتظر چنین برنامه اصلاح گرانه به دست توانمند حضرت مهدی علیّه هستند، باید خودشان در عالی‌ترین سطح از حیث ایمان به خدا و رسول و انجام فرامین و دستورات اسلامی باشند.  
حال باید به بد اندیشان گفت که این اعتقاد و باور دینی چگونه موجب سستی و تفرقه در میان مسلمانان می‌شود؟ و باید گفت که آنچه موجب تفرقه و سستی در بین مسلمانان می‌گردد، برداشت غلط و مغرضانه‌ای است که از سوی بی‌خبران از حقایق اسلام اظهار می‌گردد.

اینک بحث امکان تشرّف به حضور آن حضرت را پی می‌گیریم:  
دسته دوم: از روایاتی که دلالت بر امکان ارتباط با امام زمان علیّه در غیبت کبری می‌کند، روایاتی است که دلالت دارد بر این‌که در غیبت دوم و طولانی حضرت نیز کسانی هستند که علاوه بر ارتباط با آن حضرت، جا و مکان وی را نیز می‌دانند که دو نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

۱ - عن إسحاق بن عمار قال: قال ابو عبد الله علیّه السلام: «للقائم غیبتان: أحدهما قصيرة و الأخرى طويلة، الغیبة الأولى لا

---

۱ - به کتاب المحجّة فیما نزل فی القائم علیّه، ص ۱۴۸ مراجعه شود.

يعلم بمكانه فيها إلا خاصة شيعة و الأخرى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصة مواليه»<sup>(۱)</sup>

«اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: برای قائم علیه السلام دو غیبت است که یکی کوتاه و دیگری طولانی است. در غیبت اول جا و مکان آن حضرت را جز خواص شیعیان وی کسی نمی‌داند و در غیبت دوم، جز موالیان خاص آن جناب کسی از جا و مکان او اطلاعی ندارد».

گرچه این روایت را در بحث‌های گذشته آوردیم، ولی به خاطر استفاده نکات دیگر، آن را ذکر نمودیم.

از قسمت آخر روایت به خوبی استفاده می‌شود که در غیبت دوم نیز ارتباط با آن حضرت در شعاع و گستره‌ای کمتر از غیبت صغری وجود دارد و به طور کلی ارتباط قطع نیست و برای آن حضرت، خدمت کاران خاص و ویژه‌ای وجود دارد که از جا و مکان وی آگاه هستند.

تذکر این نکته لازم است که این روایت، از نظر سند نیز صحیح است و تمام راویان آن از افراد برجسته شیعه می‌باشند.<sup>(۲)</sup>

۲- مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ، وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ: قَتَلَ، وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ: ذَهَبَ، فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ أَمْرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ، لَا يَطَّلِعُ عَلَيَّ

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲- به پاورقی ص ۹۱ همین کتاب مراجعه شود.

موضعه أحد من ولّی ولا غیره إلا مولی الذی یلی امره<sup>(۱)</sup>؛  
برای صاحب این امر، دو غیبت است که یکی از آن دو به قدری  
طولانی می شود که بعضی می گویند: او وفات کرده است، و بعضی  
می گویند: کشته شده است، و بعضی می گویند: رفته است؛ به طوری  
که کسی از اصحاب او بر اعتقاد به امامت وی باقی نماند، مگر افراد  
اندکی، و از مکان او کسی از دوست و غیر دوست آگاه نیست، جز  
موالی و خدمتکار آن حضرت».

از این روایت هم استفاده می شود که اگرچه بر اثر طولانی شدن غیبت  
دوم حضرت، بسیاری از معتقدین به امامت وی - جز عده کمی - دست از  
عقاید حقّه خودشان بر می دارند و کسی هم از مکان آن حضرت مطلع  
نمی شود، لکن از آخر حدیث استفاده می گردد که باز هم موالیان و  
خدمت کاران برای حضرت وجود دارد که علاوه بر ارتباط با آن جناب،  
مکان وی را نیز می دانند.

صاحب غیبت نعمانی رحمته الله بعد از نقل این حدیث می فرماید:

«ولولم یکن یروی فی الغیبة إلا هذا الحدیث، لکان فیہ کفایة  
لمن تأمله؛ اگر در موضوع غیبت تنها همین روایت بود، برای  
کسانی که در معنی و مفهوم آن تأمل می کنند، کافی بود».

نتیجه ای که از این روایات به دست می آید، این است که در غیبت  
کبری به طور کلی ارتباط آن حضرت با شیعیان قطع نیست و افرادی  
هستند که از برکت و فیض حضور حضرت برخوردارند، اگر چه

تعدادشان اندک است.

بنابر این، با توجه به این روایات و روایات دسته اول که بیانگر کیفیت حضور حضرت در جامعه بود و با توجه به قضایا و شواهد متقن تاریخی که در طول غیبت کبری برای عده بسیاری از بزرگان و معتمدان شیعه در رابطه با تشرّف به حضور حضرت رخ داده است، نمی‌توان گفت که در غیبت کبری به طور کلی ارتباط بین آن حضرت و شیعیان قطع شده است. **دسته سوم:** روایاتی است که از ظاهر آن‌ها استفاده می‌شود که آن حضرت در ایام غیبت با خفای شخصی زندگی می‌کنند و دیده نمی‌شوند و نیز نام حضرت هم برده نمی‌شود. اکنون ما روایات مزبور را از منابع اصلی آن ذکر می‌کنیم و سپس توضیحات لازم را نسبت به هر کدام ارائه خواهیم کرد:

۱- از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده‌اند:

«الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه و لا یحلّ لکم تسميته<sup>(۱)</sup>؛ پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام، (کسی است که) شخص وی از شما غایب می‌شود و بردن نام او بر شما روا نخواهد بود».

این روایت دلالت دارد که شخص حضرت از ما غایب می‌شود و بردن نام حضرت نیز برای ما حلال نیست؛ اما از این‌که غیبت حضرت طوری باشد که هیچ ارتباطی برای هیچ کس با وی نباشد ساکت است. زیرا این روایت اصل مسئله غیبت را بیان می‌فرماید.

بنابر این، روایات دیگری که دلالت دارد خواص از شیعیان در غیبت صغری و موالیان و خدمت کاران حضرت در غیبت کبری جای ایشان را می‌دانند و در دسته دوم به دو نمونه از آنها اشاره شد، منافاتی با این روایت ندارد. نتیجه این می‌شود که گرچه حضرت از انظار غایب هستند، لکن ممکن است در مواردی هم افرادی خاصّ حضرت را دیدار نمایند. مطلب دیگری که در مورد این روایت می‌توان گفت این است که بعضی از ناقلین آن مانند محمد بن سنان در علم رجال تضعیف شده است، چنانکه علامه در «خلاصه» می‌فرماید: محمد بن سنان از اصحاب امام هفتم و هشتم و نهم است؛ لکن هم ضعیف است و هم مورد طعن واقع شده است.

مرحوم شیخ طوسی فرموده است: این مرد جداً ضعیف است و اعتماد بر او نمی‌توان کرد و آنچه به تنهایی نقل نموده باشد قابل التفات و توجه نیست.

ابو عمرو کثی در کتاب رجال خود از فضل بن شاذان چنین نقل می‌کند: «لا أحلّ لكم أن ترووا أحادیث محمد بن سنان؛ جایز نمی‌دانم برای شما که احادیث محمد بن سنان را روایت کنید».

غضائری نیز از کتب فضل بن شاذان چنین نقل می‌کند: از دروغگوهای مشهور، محمد بن سنان است.<sup>(۱)</sup>

با توجه به سند روایت فوق که چنین فردی ناقل آن است هیچ وقت نمی‌توان به وسیله آن یک مطلب اعتقادی را اثبات یا نفی کرد.

۲- ریّان بن صلت از امام رضا علیه السلام چنین روایت می‌کند:

«سئل الرضا علیه السلام عن القائم علیه السلام فقال: لا يرى جسمه ولا يسمّى

باسمه»<sup>(۱)</sup>

«از امام هشتم درباره حضرت قائم علیه السلام سؤال شد. حضرت فرمود:

شخص او دیده نمی‌شود و نام وی برده نمی‌شود».

این روایت، مطلق است و قابل تقييد می‌باشد و از جهت سند نیز

مخدوش است. زیرا در سند آن جعفر بن محمد بن مالک می‌باشد که

تضعيف شده است.

در ترجمه وی آمده است: جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن

سابور ابو عبد الله کوفی در نقل حدیث ضعیف است. و احمد بن حسین

گفته است که وی حدیث وضع می‌کرده و از افراد ناشناخته نیز روایت نقل

کرده است. علاوه بر این، فاسد المذهب نیز بوده است. سپس اضافه

می‌کند که نمی‌دانم به چه جهت علی بن همام و ابو غالب زراری از او

روایت نقل کرده‌اند. علامه در «خلاصه» فرموده که او ثقه است؛ لکن

اضافه می‌کند که وی را تضعیف کرده‌اند و درباره مولد حضرت قائم علیه السلام

اعاجیبی نقل کرده است و من نیز به روایت او عمل نمی‌کنم.<sup>(۲)</sup>

بنابر این، به طور حتم حدیثی که از چنین فردی نقل شده باشد، عمل

به آن درست نیست؛ به خصوص که روایت در رابطه با مسائل اعتقادی باشد.

۳- از داوود بن قاسم جعفری نقل شده که گفت: از امام هادی علیه السلام

شنیدم که می‌فرمود:

۱- اکمال الدین، ص ۶۴۸.

۲- جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶۰.

«الخلف من بعدي الحسن فكيف لكم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلني الله فداك؟ قال: انكم لاترون شخصه ولا يحلّ لكم ذكره باسمه»<sup>(۱)</sup>

«جانشین بعد از من، فرزندم حسن است. چگونه خواهید بود در زمان جانشین پس از وی؟ عرض کردم: جانم فدایت! به چه جهت؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی‌بینید و بردن نام او برای شما جایز نیست».

اطلاق این روایت نیز قابل تفسیر است و با روایاتی که دلالت دارد بر این که حضرت را بعضی از افراد - اگر چه به طور ناشناس - می‌بینند یا روایاتی که دلالت دارد مکان آن حضرت را بعضی از افراد در غیبت کبری می‌دانند، تفسیر می‌خورد.

علاوه بر این، سند این روایت نیز به خاطر محمد بن احمد علوی مخدوش است و مرحوم آیه الله العظمی خوئی در «معجم رجال الحدیث» می‌فرماید: اگر چه وجوهی بر وثاقت وی ذکر شده است لکن این وجوه، وثاقت وی را ثابت نمی‌کند.<sup>(۲)</sup>

گذشته از این در «کافی» چنین آمده است: علی بن محمد عمّن ذکره، که معلوم نیست این فرد کیست.

بنابر این، استدلال به چنین روایتی، آن هم در مورد مسایل اعتقادی، صحیح نیست. زیرا یکی از راویان آن مجهول است.

۴ - عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند:

۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲ - معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۵۶.

«للقائم غيبتان، يشهد في إحداهما المواسم، يرى الناس ولا يرونه»<sup>(۱)</sup>.

«برای قائم علیه السلام دو غیبت است که در یکی از آن دو، حضرت در موسم‌های حج حاضر می‌شوند و مردم را می‌بینند، لکن مردم ایشان را نمی‌بینند».

این روایت با روایتی که از نایب دوم حضرت - محمد بن عثمان رضی الله عنه که به طور حتم از دیگران نسبت به آن حضرت آگاه‌تر است - نقل گردید، معارض است؛ زیرا وی می‌فرماید: «یرونه ولا یعرفونه»<sup>(۲)</sup>؛ او را می‌بینند ولیکن نمی‌شناسند». همچنین با روایاتی که در آنها، زندگانی حضرت در غیبت کبری به زندگانی حضرت یوسف علیه السلام تشبیه می‌شود، معارض است. زیرا در آن روایات می‌فرماید: «یرونه ولا یعرفونه»<sup>(۳)</sup> علاوه بر همه این‌ها، این روایت فقط تشرف در زمان حج را نفی می‌کند نه همه زمان‌ها را. بنابر این، با توجه به روایاتی که زندگانی حضرت مهدی علیه السلام را به زندگانی حضرت یوسف علیه السلام تشبیه فرموده بود و با توجه به روایاتی که دلالت بر امکان ارتباط برای بعضی از موالیان خاص حضرت دارد، برای توجیه روایت چهارم می‌توان گفت:

گرچه زندگانی حضرت ولی عصر علیه السلام به صورت خفای شخصی در زمان غیبت، امری ممکن است؛ لکن این طور نیست که حضرت در غیبت

۱ - کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۳ - همان، ص ۲۲۴.



کبری به طور دایم بدین منوال زندگی کنند، بلکه در شرایط خاصی که زندگی معمولی و طبیعی برای حضرت ممکن نباشد ممکن است از طریقه خفای شخصی استفاده کنند.

باتوجه به این که استفاده از طریقه «خفای شخصی» معمولاً ملازم با اعجاز است، می توان گفت حضرت به طور معمول و طبیعی از راه «خفای عنوان» به طور ناشناس در بلاد و شهرهای مختلف زندگانی می کنند و در مواردی هم ممکن است - در صورت لزوم - از راه اعجاز به صورت خفای شخصی زندگی نمایند؛ نه این که به طور دایم و مستمر زندگی حضرت بدین گونه باشد.

این تذکر لازم است که زندگی کردن از راه خفای شخصی، منحصر به آن حضرت نیست؛ بلکه پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام نیز گاهی از این طریقه استفاده می کردند چنانکه در آغاز هجرت پس از آنکه مشرکین نقشه قتل پیامبر را کشیدند و آن حضرت ناگزیر به ترک مکه شدند، به حضرت علی علیه السلام دستور فرمود که در جای ایشان بخوابد و خود شبانه از جلوی چشم مشرکین گذشتند و کسی از آنها وی را مشاهده نکرد چنانکه قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«ما در پیش روی آنان (مشرکین) سدّی و نیز در پشت سر آنان سدّی قرار دادیم و چشمانشان را پوشاندیم، لذا آنها نمی بینند.»

بنابر این چنین نتیجه می‌گیریم که اگر در شرایطی برای پیامبر و امام لازم باشد و سلامتی ایشان بر خفای شخصی متوقف باشد، از این راه استفاده می‌کنند؛ اما در غیر این صورت نیازی به بهره جستن از راه خفای شخصی نخواهد بود. زندگانی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز چنین است و همان طور که توضیح داده شد و در ضمن نقل روایات بیان کردیم، در صورتی که برای حضرت امکان زندگانی معمولی با خفای عنوان - یعنی به طور ناشناس - در بلاد مختلف وجود داشته باشد، ایشان نیازی به استفاده از خفای شخصی ندارند.

#### مؤیدات مطلب مورد بحث:

برای این نظریه که به طور معمول و طبیعی، جز در موارد ضرورت، امام زمان علیه السلام به طور ناشناس و با خفای عنوان، زندگی می‌کنند، مؤیداتی وجود دارد که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- روایاتی است که در آنها از تصریح به اسم حضرت مهدی علیه السلام نهی شده است و علت آن نیز، این گونه بیان گردیده است که اگر مردم از مکان و اسم آن بزرگوار آگاهی پیدا کنند موجب دسترسی دشمنان به وی خواهد شد. در این صورت ممکن است از ناحیه دشمن برای حضرت، مزاحمت ایجاد شود. لذا هنگامی که بعضی از شیعیان درباره اسم و مکان سؤال کردند، جوابی بدین مضمون صادر شد:

«إن دلتهم علی الإسم أذاعوه وإن عرفوا المكان دلّوا

علیه» (۱).

«اگر مردم را به اسم حضرت، دلالت و راهنمایی کردید، آن را در میان مردم پخش می‌کنند و اگر از مکان وی آگاه شوند، مردم را به سوی حضرت دلالت می‌کنند.»

واضح است با شرایط خاصی که حضرت مهدی علیه السلام دارند، اگر دشمنان از نام و نشان و مکان وی آگاه گردند، برای حضرتش ایجاد مزاحمت می‌کنند.

بنابر این، اگر امام علیه السلام به طور دایم به وسیله اعجاز با اختفای شخصی زندگی کنند، دیگر خوفی از ناحیه دشمن نمی‌تواند وی را تهدید کند. زیرا در این صورت شخص حضرت از انظار غایب است و برای احدی امکان دسترسی به وی نیست و دیگر لزومی نخواهد بود که از تصریح کردن به اسم و آگاه نمودن از مکان وی نهی شود. پس از همین نهی که در روایات بیان شده است استفاده می‌شود که ائمه اطهار علیهم السلام می‌خواستند که مردم از اسم و عنوان آن حضرت بی‌خبر باشند تا زمینه برای زندگانی آن حضرت در میان جامعه به طور ناشناس فراهم شود. بنابراین ممکن است، آن حضرت را ببینند، ولی آن بزرگوار را نشناسند.

### پایان غیبت صغری

پس از گذشت بیش از هفتاد سال دوران غیبت صغری، امام زمان علیه السلام طی توفیق مهمی به علی بن محمد سمری رضی الله عنه پایان غیبت صغری را اعلام فرمود.

مرحوم صدوق می‌فرماید که ابو محمد مکتب گوید: در سالی که شیخ

علی بن محمد سمری رضی الله عنه وفات یافت، من در «مدینه السلام» - بغداد - بودم. چند روز قبل از وفاتش نزد وی رفتم. او این توقیع را از حضرت صاحب الامر علیه السلام بر مردم خواند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا علی بن محمد السمری، أعظم الله أجر إخوانك فيك فإنك ميت ما بينك و بين ستة أيام، فاجمع أمرک و لاتوص إلى أحد يقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبة الثانية [التامة] فلا ظهور إلا بعد إذن الله عزوجل و ذلك بعد طول الأمد و قسوة القلوب، و امتلاء الأرض جوراً، و سیأتي شيعتي من يدعي المشاهدة، ألا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو كاذب مفتر، و لاحول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم»<sup>(۱)</sup>.

به نام خداوند بخشنده مهربان

«ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را در وفات تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر از دنیا مفارقت خواهی کرد. پس کارهای خویش را جمع کن و برای نیابت، به هیچ کس وصیت نکن. زیرا که غیبت دوّم و کامل واقع شده است و ظهور نیست مگر بعد از اذن خداوند؛ و اذن خدا بعد از طولانی شدن انتظار و سخت شدن دل‌ها و پر شدن زمین از ستم، خواهد بود. به زودی کسانی از شیعیان ادّعی این گونه مشاهده را خواهند نمود. آگاه باشید! هر

کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی چنین ادّعایی کند، دروغگو و مفتری است. و توان و قدرتی نیست مگر از جانب خداوند بزرگک».

از این توقیع شریف چند نکته استفاده می شود که قابل ذکر است:  
نکته اول: این که از جمله «ولاتوص إلى أحد» استفاده می شود که در مدّت غیبت صغری هر کدام از نواب خاص که از دنیا رحلت می کردند، طبق دستور امام عصر علیه السلام چند روز قبل از فوت مأموریت می یافت که جانشین مورد نظر حضرت را به مردم معرفی کند. لذا مردمی که خدمت علی بن محمد سمري رضی الله عنه بودند، برای سؤال از نایب بعد از وی، نزد او رفته بودند و او این توقیع را بیرون آورده و آنان را از مضمون آن آگاه ساخته بود.

این مطلب در فرهنگ شیعه از اول بود که بدون دلیل گفته کسی را نمی پذیرفتند. لذا از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شیعیان، مانند: سلمان و ابوذر و عمار و مقداد و دیگر بزرگان، از خود پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شخص امام بعد از آن حضرت سؤال می کردند و به فرمایش حضرت پیامبر از حضرت علی علیه السلام به عنوان امام بعد از آن حضرت تبعیت نمودند.

این روش عاقلانه و صحیح در تمام دوران زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام و نیز در ایام غیبت صغری و نواب چهارگانه حضرت ادامه داشت و شیعیان، بدون برهان و دلیلی قاطع، قول هر کس را در موضوع امامت و همچنین در مورد نیابت خاصّه قبول نمی کردند.

لذا چون جمعی از بزرگان برای کسب تکلیف و روشن شدن وظیفه،

خدمت نایب چهارم حضرت رفته بودند، وی با ارایه این توقیع از سوی حضرت پایان غیبت صغری را اعلام فرمود. (۱)

نکته دوم: این که غیبت کبرای حضرت، بسیار طولانی می شود و ظهور حضرت بستگی به اذن و اجازه خداوند متعال دارد.

نکته سوم: از جمله «سیأتي من شيعتي من يدعي المشاهدة» استفاده می شود که در آینده نزدیکی بعضی از شیعیان ادعای مشاهده می کنند و کسی که چنین ادعایی کند، قبل از خروج سفیانی دروغگو و افترا زننده است.

در این جا با توجه به این جمله، بعضی از افراد، شبهه و اشکال کرده اند که اکنون سؤال و اشکال آنان را مطرح و توضیحات لازم را بیان نمایم: آنها می گویند که با توجه به این که شواهد معتبری در دست داریم که افراد متعددی در غیبت کبری به حضور حضرت مهدی علیه السلام شرفیاب شده اند، این توقیع را چگونه باید تفسیر نمود؟

در جواب این سؤال باید بگوییم:

۱- با صدور این توقیع از سوی امام زمان علیه السلام به علی بن محمد سمري رضی الله عنه - نایب چهارم حضرت - غیبت صغری و باب نیابت خاصه از طرف امام علیه السلام پایان پذیرفت و غیبت کبری فرا رسید و با پایان پذیرفتن غیبت صغری، راه هر گونه فرصت طلبی و سوء استفاده به روی افراد ناصالح بسته شد و راه ادعای نیابت خاصه مسدود گردید، تا افراد ناشایسته، مانند شلمغانی و محمد بن نصیر نمیری و حسین بن منصور

حلاج و... نتوانند مدعی چنین مقام والایی شوند.

شاید یکی از علل پایان پذیرفتن غیبت صغری همین بود. زیرا با توجه به این که حدود ۷۴ سال شیعیان اهل بیت علیهم السلام با مسئله غیبت امام و حجت خدا انس گرفته بودند و توسط نمایندگان خاص حضرت به وظایف شرعی خود آشنا گردیده بودند، دیگر حضرت لزومی برای امتداد آن نمی دید. لذا پایان دوران غیبت صغری را اعلام فرمود.

۲- در این جمله از توقیع چند نکته وجود دارد که مراد از نفی مشاهده در غیبت کبری نفی مطلق مشاهده نیست؛ بلکه مراد، نفی مشاهده‌ای است که همراه با ادعای نیابت خاصه از آن حضرت باشد:

نکته اول: این که لفظ «کاذب» با قید «مفتر» آمده است زیرا با توجه به پایان یافتن غیبت صغری، اگر کسی ادعای نیابت خاصه نمود، مفتر<sup>(۱)</sup> خواهد بود.

چنانکه از لغت استفاده می شود، دروغ، قول و گفتار خلاف واقع است و افترا آن است که کسی چیزی را که واقعیت ندارد، جعل کند و به دیگری نسبت دهد. در این جا هم منظور، کسی است که به دروغ ادعای نیابت از امام زمان علیه السلام کند. زیرا کسی که ادعای تشرف کند و در این گفتار صادق نباشد، او کاذب است، اما مفتری نیست. چون مفتری کسی است که چیزی را که واقعیت ندارد به دیگری نسبت دهد. مدعی مشاهده، در صورتی کاذب و مفتری است که چیزی را که حقیقت ندارد به امام عصر علیه السلام نسبت دهد. یعنی ادعای نیابت کند و بگوید که آن حضرت او را

---

۱- کسی که به دروغ، چیزی را به کسی نسبت می دهد.

نایب خود قرار داده است. پس اگر ادعای نیابت نداشته باشد، فقط، کاذب است؛ نه مفتری.

آنچه در این توقیع نفی شده است، ادعای مشاهده‌ای است که بعنوان ادعای نیابت همراه باشد. چنین ادعایی در آغاز غیبت کبری زمینه فراوانی داشت که حضرت برای این که جلوی چنین سوء استفاده‌هایی گرفته شود، این توقیع را صادر فرمود.

نکته چهارم: دلیل دیگری که مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ مرتضی حایری نیز به آن استدلال می‌فرمودند - با توضیح ما - این است که در توقیع، ذکر شد: «سیأتي من شيعتي من يدعي المشاهدة» و لفظ «مشاهدة» با «الف و لام» ذکر شده است که دلالت دارد بر این که مشاهده خاصی منظور حضرت است؛ نه مطلق مشاهده. زیرا اگر مطلق مشاهده منظور بود، «الف و لام» لازم نبود و می‌بایست حضرت بفرمایند: «من ادعی مشاهدتی فهو کاذب مفتر» یعنی هر کس مشاهده مرا ادعا کند، کاذب و مفتر خواهد بود.

لازم به توضیح است که «الف و لام» در «المشاهدة» یا «الف و لام» عهد ذکری است و یا «الف و لام» عهد ذهنی.

اما این که «الف و لام» عهد ذکری باشد که این وجهی ندارد. زیرا قبلاً ذکری از مشاهده به میان نیامده است. پس منحصرأ باید «الف و لام» عهد ذهنی باشد. در این صورت، حضرت همان مشاهده‌ای را نقل کرده‌اند که در طول دوران غیبت صغری راجع به «نواب اربعه» در ذهن مردم بود و با ادعای نیابت خاصه همراه بود. بنابر این اگر کسی در غیبت کبری چنین



ادّعایی نماید، «کاذب و مفتر» خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

از آنچه تا این جا در مورد توقیع شریف بیان شد، می توان چنین نتیجه گرفت: مشاهده ای که در توقیع نفی شده، شامل آنچه برای بعضی از افراد صالح در غیبت کبری اتفاق افتاده است، نمی شود. زیرا آنان به خاطر قابلیت یا در هنگام شداید و گرفتاری با دعا و توسل و توبه و انابه به درگاه خداوند، مورد عنایت خدا قرار می گرفتند و از حضور ولی خدا علیه السلام بهره مند می شدند.

البته جواب های دیگری هم در توضیح اشکال از این توقیع شریف هست که به خاطر رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می کنیم.

### دیدگاه علما و دانشمندان شیعه در مورد امکان تشرّف

در بحث امکان تشرّف به حضور امام علیه السلام در غیبت کبری، علمای زیادی نظریه داده اند، لکن ما به جهت اختصار دیدگاه بعضی از بزرگان علمای شیعه را از نظر خوانندگان محترم می گذرانیم:

۱ - مرحوم سید مرتضی رضی الله عنه می فرماید:

«إنا غير قاطعين على أن الإمام علیه السلام لا يصل إليه أحد ولا يلقاه بشر، فهذا أمر غير معلوم ولا سبيل إلى القطع عليه<sup>(۲)</sup>؛ ما قطع نداریم که در زمان غیبت، کسی امام علیه السلام را زیارت نکند. زیرا موضوع عدم تشرّف به حضور حضرت، روشن نیست و راهی نیست که انسان به آن قطع پیدا کند».

۱ - ابن استدلال را جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای سید مرتضی مجتهدی از آن بزرگوار نقل کردند.

۲ - تنزیه الأنبیاء، ص ۲۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

در این مورد چنین ایراد شده که اگر سبب غیبت و استتار حضرت، ترس و خوف از ستمگران است، پس باید حضرت برای دوستان و شیعیان خودشان که خوفی از ناحیه آنان برای حضرتش نیست، ظاهر باشد.

مرحوم سید مرتضی رحمته الله علیه در ضمن جواب‌هایی که از این ایراد داده است، می‌فرماید:

«إنه غير ممتنع أن يكون الإمام عليه السلام يظهر لبعض أوليائه ممن لا يخشى من جهة شيئاً من أسباب الخوف، فإن هذا ممّا لا يمكن القطع على ارتفاعه وامتناعه وإنما يعلم كل واحد من شيعة حال نفسه ولا سبيل له إلى العلم بحال غيره<sup>(۱)</sup>؛ هیچ مانعی ندارد که امام عليه السلام برای بعضی از دوستان خود که ترسی از جانب آنان نباشد، ظاهر شود. زیرا امکان چنین زیارتی، چیزی نیست که بتوان قطع و یقین به امتناع آن پیدا کرد و هر کدام از شیعیان، به حال خود آگاه است و کسی را راهی به سوی آگاهی از حال دیگران نیست.»  
یعنی ممکن است افراد به زیارت حضرت موفق شوند و ما ندانیم.

۲ - شیخ طوسی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید:

«الأعداء وإن حالوا بينه وبين الظهور على وجه التصرف والتدبير، فلم يحولوا بينه وبين لقاء من شاء من أوليائه على سبيل الاختصاص<sup>(۲)</sup>؛ گر چه دشمنان - اسلام - مانع ظهور و تصرف و تدبیر امام زمان عليه السلام شده‌اند، لکن نتوانستند مانع شوند از این که بعضی از دوستان آن حضرت به طور اختصاصی شرفیاب حضور آن جناب گردند.»

۱ - تنزیه الأنبياء، ص ۲۳۴.

۲ - تلخیص الشافی، ج ۲، ص ۲۲۱.

در سخنی دیگر، این عالم فرزانه جهان اسلام و تشیع می فرماید:  
«لا يجب القطع على استتاره عن جميع أوليائه<sup>(۱)</sup>؛ بر معتقدین به امامت  
آن حضرت، واجب نیست که اعتقاد داشته باشند آن بزرگوار از تمام دوستانش  
پنهان و مخفی است».

همچنین در مسأله غیبت، شیخ طوسی رحمته الله می فرماید:  
«نحن نجوز أن يصل إليه كثير من أوليائه والقائلون بإمامته<sup>(۲)</sup>؛ ما  
جایز می دانیم که بسیاری از دوستان و شیعیان - حضرت مهدی علیه السلام - در غیبت  
کبری به وی دسترسی پیدا کنند».

و نیز در همان رساله غیبت فرموده است:

«لا نقطع على استتاره عن جميع أوليائه، بل يجوز أن يبرز لأكثرهم  
ولا يعلم كل إنسان إلهام نفسه<sup>(۳)</sup>؛ ما یقین نداریم که امام زمان علیه السلام از تمام  
دوستان خود پنهان باشد، بلکه ممکن است برای بسیاری از آنان ظاهر شود و  
هر کس به حال خودش آگاه است نه دیگران [تا ملاقات را نسبت به همه نفی  
کند]»

۳- سید بن طاووس خطاب به فرزندش می فرماید:

«والطريق مفتوحة إلى إمامك عليه السلام لمن يريد الله جل شأنه عنايته به و  
تمام إحسانه إليه<sup>(۴)</sup>؛ راه به سوی امام زمان تو، برای کسی که مورد عنایت و  
احسان خداوند قرار گیرد، باز است».

۱- تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۲۲۲.

۲- کلمات المحققین، ص ۵۳۳.

۳- جنة المأوى مطبوع با بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

۴- كشف المحجة، ص ۱۵۳.

همچنین در فرمایش دیگری می‌فرماید:

«وإذ كان عليه السلام غير ظاهر الآن لجميع شيعته فلا يمتنع أن يكون جماعة منهم يلقونه وينتفعون بمقاله وفعاله ويكتمونه كما جرى الأمر في جماعة من الأنبياء والأوصياء والملوك حيث غابوا عن كثير من الأمة لمصالح دينية أو دنيوية أوجبت ذلك<sup>(۱)</sup>؛ اکنون که حضرت مهدی علیه السلام برای تمام شیعیان ظاهر نمی‌باشد، مانعی نیست که گروهی از شیعیان با حضرت ملاقات نمایند و از گفتار و کردار وی بهره‌مند گردند، و این مطلب را پنهان بدارند؛ چنانکه این جریان درباره‌ی گروهی از پیامبران و اوصیایشان و حتی بعضی از سلاطین واقع شده است که به جهت مصالح دینی یا دنیوی از بسیاری از مردم پنهان می‌شدند».

۴ - آخوند خراسانی صاحب «کفایة الأصول» در بحث اجماع

می‌فرماید:

«وإن احتمل تشرف بعض الأوحدي بخدمته ومعرفته أحياناً<sup>(۲)</sup>؛ گر چه محتمل است که بعضی از فرزندگان یگانه، به خدمت آن حضرت شرفیاب گردند و حضرتش را بشناسند».

۵ - محقق نائینی نیز در همان بحث می‌فرماید:

«نعم، قد يتفق في زمان الغيبة للأوحدی التشرف بخدمته وأخذ الحكم منه عليه السلام<sup>(۳)</sup>؛ گاهی ممکن است بعضی از بزرگان شایسته، شرفیاب خدمت حضرت شوند و حکم خدا را نیز از وی بگیرند».

۱ - الطرائف، ص ۱۸۵.

۲ - کفایة الأصول، ج ۲، بحث اجماع.

۳ - فوائد الأصول، ج ۲، بحث اجماع.

۶- آیه الله العظمی گلپایگانی در جواب سؤالی که از ایشان در مورد امکان تشرّف به حضور حضرت بقیة الله علیه السلام شده است، آن را ممکن دانسته که متن سؤال و جواب را ذکر می‌کنیم:

سؤال: چه کار باید کرد تا امام زمان علیه السلام را ملاقات کرد؟

جواب: به طور کلی برای تشرّف به حضور ایشان نمی‌توان راهی را که همه کس به آن برسند ارائه داد مگر عدّه معدودی [که به ملاقات آن حضرت نائل می‌شوند؛ دیگران] از این فیض عظیم به نحوی که آن حضرت را بشناسند محروم هستند. مع ذلک عمل به تکالیف شرعیّه و جلب رضایت و خشنودی آن حضرت و بعضی اعمال مثل چهل شب به مسجد سهله رفتن بسا موجب تشرّف بعضی از اشخاصی که مصلحت باشد، خواهد بود. (۱)

بنابر این، با توجه به نمونه‌هایی از دیدگاه‌های بزرگان شیعه و ستارگان آسمان فقه و فقاہت، روشن می‌شود که موضوع ارتباط و تشرّف به خدمت امام زمان علیه السلام امری ممکن است.

اکنون برای اثبات این مطلب به چند نمونه از شواهد متقن تاریخی، چه در گذشته و چه در حال، که حاکی از وقوع تشرّفات متعدّد خدمت حضرت است، اشاره می‌کنیم.

قبل از ذکر این حکایات متواتره - که با سندهای معتبر در کتاب‌های مشهور آمده است و بعضی از آنها مربوط به سال‌های اخیر می‌باشد - تذکر این نکته لازم است که تداوم و استمرار این گونه قضایا از آغاز غیبت

---

۱- عنایات حضرت مهدی موعود علیه السلام، ص ۱۸، در نقل مطالب بزرگان از کتاب مذکور استفاده کردیم.

کبری تاکنون برای گروهی از علما و عده‌ای از بندگان صالح خدا که از هر جهت مورد وثوق و اطمینان بودند، بر ارزش و اعتبار آن می‌افزاید و موجب اطمینان نسبت به وقوع آن می‌شود.

### امام زمان علیه السلام گشاینده مشکلات

#### ۱ - علامه حلی در محضر امام زمان علیه السلام

مرحوم میرزا محمد تنکابنی رحمته الله می‌گوید که در السنه و افواه اشتهار دارد (... و خود ایشان به واسطه مرحوم آخوند لاهیجی از آقا سید محمد «فرزند آقا سید علی» صاحب «مناهل» نقل می‌کنند) که علامه حلی در شب جمعه به تنهایی به زیارت سید الشهداء علیه السلام می‌رفت، در حالی که بر الاغی سوار بود و تازیانه‌ای در دست مبارک داشت. در اثنای راه، شخص عربی پیاده به همراه علامه راه افتاد و با هم به مکالمه مشغول شدند. چون قدری با هم سخن گفتند، بر علامه معلوم شد که این شخص مرد فاضلی است.

پس در مسائل علمی با هم صحبت نمودند و علامه فهمید که آن شخص، صاحب علم و فضیلت بسیار و متبحر در علوم است. لذا مشکلاتی را که برای او در علوم مانده بود، یک به یک از آن شخص سؤال می‌کرد و او حل می‌نمود تا این که سخن در مسئله‌ای واقع شد و آن شخص فتوایی گفت. علامه منکر آن شد و گفت: حدیثی بر طبق این فتوا نداریم.

آن مرد گفت: شیخ طوسی در تهذیب حدیثی در این باب ذکر کرده است. شما از کتاب تهذیب فلان مقدار از اول بشمارید که در فلان صفحه و فلان سطر، این حدیث مذکور است.

علامه در حیرت شد که این شخص کیست؟ پس از آن مرد پرسید: «آیا در زمان غیبت کبری می توان حضرت صاحب الامر علیه السلام را دید یا نه؟»  
در این هنگام تازیانه از دست علامه افتاد. آن حضرت خم شد و تازیانه را از زمین برگرفت و در میان دست علامه گذاشت و فرمود: «چگونه صاحب الزمان را نمی توان دید و حال آن که دست او در میان دست توست؟!»

علامه بی اختیار خود را از مرکب به زمین انداخت که پای آن حضرت را ببوسد. پس غش نمود و چون به هوش آمد، کسی را ندید و پس از آن که به خانه بازگشت، رجوع به کتاب تهذیب نمود و آن حدیث را در همان ورق و همان صفحه و همان سطر که آن حضرت نشان داده بودند، یافت.  
علامه به خط خود در حاشیه کتاب تهذیب در آن مقام نوشت: این حدیث را حضرت صاحب الامر علیه السلام با ذکر صفحه و سطر و محل آن، نشان دادند.

مرحوم تنکابنی رحمته الله می گوید که آخوند لاهیجی می گفت: «من همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن حدیث، خط علامه را مشاهده کردم که به مضمون سابق بود». (۱)

## ۲ - حل مسائل مقدّس اردبیلی رحمته الله

سید جزائری می فرماید: مطمئن ترین استاد من در علم و عمل - مقدّس اردبیلی - شاگردی داشت از اهل تفرش به نام میرعلام که

در نهایت فضل و ورع بود. او می‌گفت که من در مدرسه‌ای حجره داشتم که گنبد شریف امیرالمؤمنین علیه السلام از آن جا دیده می‌شد. در یکی از شب‌ها که از مطالعه فراغت یافتم، در حالی که پاسی از شب گذشته بود، از حجره بیرون آمدم و به اطراف بارگاه مطهر امام علیه السلام نگاه می‌کردم و آن شب بسیار تاریک بود.

در این هنگام مردی را دیدم که رو به سوی حرم می‌آید. پس از جایگاه خود بیرون آمدم و به نزدیکی او رفتم. او مرا نمی‌دید. او رفت و نزدیک درب حرم مطهر ایستاد. در این هنگام دیدم که قفل گشوده شد و درب دوّم و سوّم نیز باز شد. وارد حرم شد و سلام کرد. از جانب قبر مطهر جواب سلام او داده شد.

صدای او را شناختم که با امام علیه السلام در مسئله علمی سخن می‌گفت. آن‌گاه از شهر بیرون رفت و به سوی مسجد کوفه متوجه گردید. من از پی او رفتم، ولی او مرا نمی‌دید. چون به محراب مسجد رسید، شنیدم که با دیگری راجع به همان مسئله سخن می‌گفت. آن‌گاه برگشت. من از پی او بازگشتم تا به دروازه شهر رسید که صبح شد و هوا روشن شد و او مرا مشاهده نمود. پس گفتم: ای مولای ما! من از اوّل تا آخر با تو بودم. اکنون مرا آگاه کن که شخص اوّل که در حرم مطهر با او سخن می‌گفتی، چه کسی بود؟ و آن شخص که در مسجد کوفه با او هم سخن بودی که بود؟

پس، از من عهد و پیمان گرفت تا زنده است راز او را به کسی خبر ندهم. آن‌گاه فرمود که ای فرزند! گاهی بعضی از مسائل بر من مشتبه می‌شود و بسا هست که در شب به نزد قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌روم و



در آن مسئله با آن حضرت سخن می‌گویم و جواب می‌شنوم. در این شب، مرا حواله به حضرت صاحب الزمان علیّه نمود و فرمود: «فرزندم مهدی علیّه امشب در مسجد کوفه است. برو به نزد او و این مسئله را از او بپرس». و این شخص، حضرت مهدی علیّه بود. (۱)

### ۳ - دستگیری امام زمان علیّه از مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی

این عالم بزرگوار در محرم ۱۳۰۳ (ه. ق) در اصفهان متولد و در نوزدهم ذیحجه سنه ۱۳۶۵ (ه. ق) در مشهد مقدس وفات یافت. ایشان دوران تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف در محضر مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی صاحب کتاب «عروة الوثقی» و مرحوم آقای نائینی گذراندند. در آغاز به کسب عرفان اشتغال داشت، اما آن را سازگار با آیات قرآن و روایات نمی‌دید و چون هیچ پناهگاهی که بتواند رو به او آورده و مشکل خود را با او در میان گذارد، همانند حضرت بقیه الله علیّه نمی‌یافت، متوسّل به آن حضرت شد و در مسجد سهله و جاهای دیگر به آن حضرت استغاثه نمود.

او خود می‌گوید: یک موقع در نزد قبر جناب هود و صالح علیهما السلام در حال تضرّع و توسّل به حضرت بقیه الله علیّه بودم. در بیداری آن حضرت را دیدم که ایستاده بود و کاغذی که اطراف آن با آب طلا مزین شده بود، روی سینه آن حضرت بود. نظر کردم، دیدم وسط صفحه به خط سبز و نور نوشته شده است:

«طلب المعارف من غیرنا أهل البيت علیهم السلام مساوق لإنکارنا».

«طلب کردن معارف دین از غیر ما اهل بیت نبوت، در حدّ انکار امامت ما می‌باشد».

چون کاغذ را دیدم، به خطّ ریزتری امضا شده بود:

«وقد أقامني الله وأنا حجة بن الحسن».

«خداوند مرا به پا داشته است و منم حجة بن الحسن».

از خواندن این نامه مبارک چنان روشن شدم که چون متوجه خود گردیدم، نورانیتهای را در خود احساس کردم. (۱)

#### ۴ - حلّ مطالب شیخ انصاری رحمته الله با تشرّف به حضور امام زمان علیه السلام

یکی از شاگردان مرحوم شیخ انصاری دربارهٔ ارتباط ایشان با امام عصر علیه السلام و تشرّف ایشان به منزل آن حضرت، چنین گفته است:

در یکی از زیارات مخصوصهٔ حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام به کربلا مشرّف شده بودم. بعد از نیمه شب برای رفتن به حمام از منزل بیرون آمدم. چون کسوفه‌ها گل بود چراغی همراه برداشتم. از دور، شخصی را شبیه به شیخ دیدم. چون قدری نزدیک رفتم، دیدم آری، شیخ است. در فکر فرو رفتم که ایشان در این موقع از شب، آن هم در این گل و لای، با چشم ضعیف به کجا می‌رود؟ من برای این که مبادا کسی او را کمین کرده باشد، آهسته در پی او روان شدم تا بر در خانهٔ مخروبه‌ای ایستاد و زیارت جامعه را با توجه خاصی خواند و سپس داخل آن خانه گردید!

من دیگر چیزی نمی دیدم، ولی صدای شیخ را می شنیدم. گویا با کسی صحبت می کرد. به حمام رفتم و بعد به حرم مطهر مشرف گشتم و شیخ را در حرم مطهر دیدم. بعد از پایان مسافرت، در نجف اشرف خدمت شیخ رسیدم و جریان آن شب را به عرض وی رساندم. اوّل شیخ انکار کرد. پس از اصرار زیاد فرمود:

گاهی برای رسیدن به خدمت امام عصر علیه السلام مأذون می گردم و پشت درب آن منزل که تو آن را پیدا نخواهی کرد، می روم و زیارت جامعه را می خوانم. چنانکه اجازه دهند، خدمت آن حضرت شرفیاب می شوم و مطالب لازمه را از آن سرور می پرسم.

سپس شیخ فرمود: «تا زمانی که در قید حیات می باشم، این مطلب را پنهان دار و به کسی اظهار مکن.»<sup>(۱)</sup>

این گونه شخصیت های بزرگ و راه یافته، دارای آمادگی کامل برای ظهور امام زمان علیه السلام می باشند؛ نه آنان که در زمان ظهور با تأویل و توجیه آیات قرآن مجید، به جنگ با آن حضرت می پردازند!

ممکن است سؤال شود که چگونه مرحوم شیخ انصاری هرگاه اجازه می یافت، می توانست به منزل امام زمان علیه السلام برود و با خواندن زیارت جامعه و اذن ثانوی، وارد منزل شود و با امام مهربان خویش، سخن بگوید؟ او چگونه به این مقام راه یافته بود؟ ولی شاگرد آن بزرگوار که او نیز منزل امام عصر علیه السلام را دیده بود، چنین افتخاری نداشت و مرحوم شیخ به او چنین فرمود: تو آن را پیدا نخواهی کرد؟!»

این سؤال مهمی است که پاسخ قانع کننده‌ای لازم دارد. متأسفانه بعضی از افراد برای این گونه سؤالات، جواب‌های آماده و فوری دارند و در برابر این قبیل پرسش‌ها، فوراً پاسخ می‌دهند که خدا چنین خواسته است یا خدا با بعضی از افراد - نعوذ بالله - قوم و خویشی دارد و هیچ گونه ارتباطی به عمل و خواسته مردم ندارد. این گونه پاسخ‌ها که بیشتر برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت می‌باشد، صحیح نیست. زیرا نه قانع کننده است و نه هیچ گاه کسی را به راهی راهنمایی می‌نماید.

ما در پاسخ این سؤال با توجه به سخنان خاندان وحی، می‌گوییم: که خداوند مهربان همه انسان‌ها را به سوی تکامل معنوی و روحی فراخوانده است و در دعوت عمومی خود به همه کسانی که در این راه قدم بر دارند اجر و پاداش می‌دهد همان‌گونه که میزبان، میهمانان خویش را دعوت می‌کند و در صورت شرکت در مجلس، از همه آنان پذیرایی می‌کند. خداوند نیز زمینه پیشرفت و تکامل را در انسان‌ها ایجاد نموده و به این گونه، آنان را به سوی تکامل دعوت کرده است چنانکه در قرآن مجید صریحاً فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾. (۱)

«هر کس در راه ما کوشش کند، ما حتماً او را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم».

این وظیفه انسان‌ها است که دعوت خدا را پاسخ گویند و در راه تکامل روحی و پیشرفت معنوی خود، قدم بردارند.

بنابر این در انسان‌ها زمینه پیشرفت و تکامل وجود دارد و آنان از این امکانات بهره‌مند هستند، ولی آن را بایگانی می‌کنند و از آن استفاده نمی‌کنند مانند ثروتمندان کوتاه نظری که به انباشته شدن هر چه بیش‌تر حساب‌های پس انداز خود در بانک‌ها خشنودند و هیچ‌گاه توفیق استفاده از این ثروت‌ها را پیدا نمی‌کنند.

برای موفقیت باید از زمینه‌ها و توانایی‌های موجود، استفاده و کمبودهای خود را نیز جبران کرد تا به اهداف بزرگ، دست یافت. افراد بسیاری از نظر ذاتی، توانایی و آمادگی زیادی برای رسیدن به تکامل معنوی و روحی دارند، ولی چون کاری به این امور ندارند، هیچ‌گونه استفاده‌ای از این گونه توانایی‌ها نمی‌برند و از دنیا کوچ می‌کنند و آن‌ها را به خاک می‌سپارند همچون ثروتمندانی که در زمان‌های گذشته، برای حفظ ثروت خود، آن‌ها را در دل خاک پنهان می‌کردند و نه خود و نه فرزندان‌شان هیچ‌گونه بهره‌ای از آن اموال نمی‌بردند.

برای آن‌که روشن شود چگونه بعضی از افراد دارای توانایی‌های روحی بیش‌تر و قدرت درکِ بهتر می‌باشند و چگونه آن را به دست آورده‌اند، گفتاری از مرحوم شیخ حرّ عاملی که از علمای بزرگ شیعه است می‌آوریم. ایشان می‌گوید:

روشن است که دیدن و شنیدن و امثال این‌ها، مستقلاً با چشم و گوش و امثال این دو نیست؛ بلکه آن‌ها وسیله‌ای هستند برای روح، که روح به وسیله آن‌ها می‌بیند و می‌شنود و... و چون روح انسان قوی نیست، دیدن و شنیدن او مقید و محدود به این گونه اسباب مادی در محدوده خاص است.

از این جهت، فقط مادیات را می‌بیند و از درک مسائل روحی ناتوان است؛ ولی اگر روح انسانی تقویت شود و به وسیله عبادت و انجام واجبات و ترک محرّمات، تقرّب به سوی خداوند پیدا نماید، روح او قوی می‌شود. وقتی روح قوی شد، قدرت استفاده او از مادیات و طبیعیات بیش‌تر می‌شود. بنابراین این با چشمش اشیایی را می‌بیند که دیگران نمی‌بینند و با گوشش چیزهایی را می‌شنود که دیگران نمی‌شنوند و... این غلبه و قدرت، در افراد، مختلف است همان‌گونه که تقرّب آنان به خداوند یکسان نیست. هر کس به وسیله عبادات و مجاهدات به خداوند نزدیک‌تر شود، حالات معنوی و روحی او قوی‌تر می‌گردد و در درک اموری که دیگران قدرت ادراک آن را با چشم و گوش و امثال این دو ندارند، نیرومندتر می‌شود.<sup>(۱)</sup>

با این بیان، روشن شد که چرا افرادی همچون مرحوم شیخ انصاری می‌توانند به آن نعمت بزرگ دست یابند، ولی افراد دیگر این قدرت و توانایی را ندارند و دیدگان آنان از دیدن این گونه امور عاجز است. دارا بودن حالت انتظار به معنای کامل آن، درک این گونه امور را برای شما به ارمغان می‌آورد.<sup>(۲)</sup>

دیده باطن چو بینا می‌شود      آنچه پنهان است، پیدا می‌شود

۱ - فوائد الطوسیّه، مرحوم شیخ حرّ عاملی، ص ۸۲.

۲ - اسرار موفقیت، ج ۲، ص ۲۰۳.

## نتیجه

از مباحث گذشته به خصوص جریاناتی که نقل شد، این گونه نتیجه گرفتیم که در غیبت کبرای ولی عصر علیه السلام نیز ارتباط بین آن حضرت و شیعیان به کلی قطع نشده است و در مواردی که مصلحت ایجاب کند و خداوند متعال اجازه و رخصت عنایت فرماید، افرادی موفق به درک سعادت دیدار آن حضرت می شوند.

لکن باید توجه داشت که در اثر مصالح و حکمت‌هایی که در غیبت آن بزرگوار هست، به طور غالب، این تشرّفات به گونه‌ای است که انسان در آن هنگام، به حضور حضرت توجه ندارد و بعد با توجه به شواهد به این موضوع توجه و التفات پیدا می‌کند مگر در موارد نادری مانند بعضی از بزرگان و افراد شایسته از شیعیان مخلص و پرهیزکار که نمونه‌ای از آن را ذکر کردیم. البته این گونه نیست که هرکس ادّعای چنین افتخاری را نمود، پذیرفته شود.

در خاتمه با ذکر فرازی از دعای زمان غیبت، این گفتار را به پایان می‌بریم و از خداوند می‌خواهیم که ما را همیشه مشمول عنایات خاصه ولیّش حضرت حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام بفرماید:

«اللهم عرّفني نفسك، فإنك إن لم تعرّفني نفسك، لم أعرف نبيّك، اللهم عرّفني نبيّك، فإنك إن لم تعرّفني نبيّك، لم أعرف حجّتك، اللهم عرّفني حجّتك، فإنك إن لم تعرّفني حجّتك، ضللت عنى ديني، اللهم لاتمتني ميتة جاهليّة ولا تزغ قلبي بعد إذ هديتني، اللهم فكما هديتني بولاية من فرضت طاعته عليّ من ولاة أمرك بعد رسولك صلواتك عليه وآله حتّى واليت ولاة أمرك أمير المؤمنين والحسن والحسين وعليّاً ومحمّداً وجعفرأ وموسى وعليّاً ومحمّداً وعليّاً والحسن والحجة القائم المهديّ صلوات الله عليهم أجمعين».



## صبح امید

ز حجاب جلوه گری نما، که امام ذرّ و نسیم تویی  
ز عتاب چهره مکن نهان، که ضیای چشم امم تویی  
تو بیا به محفل عاشقان، که جمال نور قِدم تویی  
توفروز مُلک وجود من، که سراج قدس حرم تویی  
تویی شمس صبح ازل شها، ز جهان مزیل ظَلَم تویی

\* \* \*

شب تار روز حیات من، که ز چشم نور تو شد نهان  
نه به دست عنان قرار من، به فراق تو شه انس و جان  
نه توان برفتن کوی تو، که مکان تو است لامکان  
به هوای شمس جمال تو، همه شب به دیده خون چکان  
نگرم به سوی ستارگان، که نجوم جاه و حشم تویی

\* \* \*

تو بیا بیا تو بیا بیا، که تو شمس صبح امید ما  
تو ولیّ آیه انما، تو مدیح سوره والضحی

تو حمید حمد و سواد با، تو بیان سوره انبیا  
تو علیم علم فنا و بقا، تو محیط کرسی و ماسوی  
تو قلم بکش به کتاب‌ها، که مفاد «نون و قلم» تویی

\* \* \*

ز حریم مغرب غیب خود، چو شعاع شمس ظهور کن  
ز مشعشات جمال خود، همه خلق شعله طور کن  
به مفاد آیه والضحی، همه ارض وادی نور کن  
ز ریاض گلشن خسروی، تو شمیم عدل نشور کن  
تو بپوش لبس ملوک را، که سزای تاج و علم تویی

\* \* \*

تو ولی عصر و زمان من، تو امام من تو امان من  
تویی روح قالب بوالبشر، ز وجود تو است نشان من  
ز ازل درخت ولای تو، شده منشعب به جنان من  
ز زمین رسیده به آسمان، نفحات گلشن جان من  
به فدای تو همه جسم و جان، که ولی ذر و نسیم تویی<sup>(۱)</sup>

\* \* \*

کتاب‌هایی که تا کنون

## انتشارات مسجد مقدّس جمکران

منتشر نهوده است :

- |  |  |
|--|--|
| ۱- در کربلا چه گذشت                                | ۲۱- پرچمدار نینوا  |
| ۲- نجم الثاقب                                      | ۲۲- حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> فروغ تابان ولایت  |
| ۳- خزائن الأشعار جوهری                             | ۲۳- از زلال ولایت  |
| ۴- خوشه‌های طلایی                                  | ۲۴- مهدی موعود <small>علیه السلام</small>                  |
| ۵- در جستجوی قائم <small>علیه السلام</small>       | ۲۵- انتظار بهار و باران                                    |
| ۶- یاد مهدی <small>علیه السلام</small>             | ۲۶- ناپیدا ولی با ما                                       |
| ۷- عقد الدرر                                       | ۲۷- علی <small>علیه السلام</small> مروارید ولایت           |
| ۸- کتبات مفاتیح الجنان                             | ۲۸- خصایص زینبیه <small>علیها السلام</small>               |
| ۹- منتخب المفاتیح                                  | ۲۹- گلستان مهدویت  |
| ۱۰- هدیه احمدیه                                    | ۳۰- انتظار و انسان معاصر                                   |
| ۱۱- تاریخچه مسجد مقدّس جمکران                      | ۳۱- مفرد مذكر غایب   |
| ۱۲- زیارت ناحیه مقدّسه                             | ۳۲- سیمای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در شعر عربی |
| ۱۳- کرامات المهدی <small>علیه السلام</small>       | ۳۳- ... و آنکه دیرتر آمد                                   |
| ۱۴- در جستجوی نور                                  | ۳۴- سرود سرخ انار  |
| ۱۵- آخرین خورشید پیدا                              | ۳۵- منشور نینوا  |
| ۱۶- فدک ذوالفقار فاطمه <small>علیها السلام</small> | ۳۶- سحاب رحمت  |
| ۱۷- اعتکاف، تطهیر صحیفة اعمال                      | ۳۷- وظایف منتظران  |
| ۱۸- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام                | ۳۸- تاریخ امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (۲ جلد)  |
| ۱۹- غیبت، ظهور، امامت                              | ۳۹- عطر سبب  |
| ۲۰- اهمیّت اذان و اقامه و ...                      | ۴۰- سقا خود تشنه دیدار                                     |

- |  |   |
|--|---|
| مذاهب و ملل جهان   | ۲۱- مهر بی کران   |
| ۵۳- آیینة اسرار  | ۲۲- نشانه‌های ظهور او   |
| ۵۴- عریضه نویسی به اهلبیت <small>علیهم‌السلام</small>  | ۲۳- دلشده (در حسرت دیدار دوست)                                  |
| ۵۵- چهل حدیث (امام مهدی <small>علیه‌السلام</small> در کلام امیرمؤمنان <small>علیه‌السلام</small> ) | ۲۴- علی <small>علیه‌السلام</small> و پایان تاریخ                |
| ۵۶- نشانه‌های یار و چکامه انتظار   | ۲۵- تجلیگاه صاحب الزمان <small>علیه‌السلام</small>              |
| ۵۷- داغ شقایق  | ۲۶- منازل الاخرة  |
| ۵۸- مهدی <small>علیه‌السلام</small> تجسم امید و نجات   | ۲۷- مشکات الانوار   |
| ۵۹- امام رضا <small>علیه‌السلام</small> در رزمگاه ادیان  | ۲۸- ینابیع الحکمة   |
| ۶۰- مهدی منتظر <small>علیه‌السلام</small> در اندیشه اسلامی   | ۲۹- گنجینه نور و برکت   |
| ۶۱- رسولِ تُرک، آزاد شده امام حسین <small>علیه‌السلام</small>                                      | ۵۰- تاریخ حضرت سید الشهداء <small>علیه‌السلام</small>           |
| ۶۲- گردی از رهگذر دوست   | ۵۱- داستانهایی از امام زمان <small>علیه‌السلام</small>          |
|  | ۵۲- ظهور امام زمان <small>علیه‌السلام</small> از دیدگاه اسلام و |



### انتشارات مسجد مقدس جمکران

در مراکز استان‌ها و شهرستان‌های سراسر کشور نمایندگی فعال می‌پذیرد



### واحد پاسخ به سؤالات مسجد مقدس جمکران

آماده پاسخگویی به سؤالات و مشکلات اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، فقهی و اعتقادی شما عزیزان می‌باشد. می‌توانید سؤالات خود را به آدرس: قم / صندوق پستی ۶۱۷ واحد تحقیقات فرهنگی مسجد مقدس جمکران ارسال نمایید. شایان توجه است که مطالب و نامه‌های عزیزانی که با این صندوق پستی مکاتبه می‌نمایند، به منزله اسرار ایشان بوده، و در حفظ و نگهداری آنها کاملاً دقت و مراقبت خواهد شد.

